

از بازداشتگاه تا

بازداشتگاه

هشدار برای جامعه!

گزارشی مستند از وجود بازداشتگاه های
مخصوص ، مخفی و مخوف امنیتی
در ایران

بازداشتگاه

جلد (1)



واحد انتشارات مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

Site : <http://hra-iran.org>
E-mail : info@hra-iran.org
Tel : 001-310-598-3634
Tel : 021-27859131

زمستان 1386



تمامی حقوق محفوظ است

به نام آزادی

امروز بنا به اهمیت زمانی ، موضوع اشاعه گسترده و احداث بازداشتگاههای مخفی و خانه های امن امنیتی در سرتاسر کشور از طریق دستگاههای پلیسی ، امنیتی و اطلاعاتی ، مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران را بر آن داشت که با افشای ماهیت این بازداشتگاهها اقدام به افشای اعمال ضد حقوق بشری که با علم و آگاهانه توسط عوامل حکومتی در بازداشتگاهها رقم زده می شود و تا بحال هزاران قربانی در پی داشته نماید .

هیچگاه به طورعلنی اطلاعات مرتبط به این قربانیان و بازداشتگاهها در اختیار مردم و افکار عمومی قرار نگرفته است ، امید است به مدد مقالات و گزارشات اینچنینی عامه افراد جامعه دوش به دوش قشر روشنفکر و نخبگان اجتماعی و فرهنگی جویای حال فرزندان خود در دخمه ها و بازداشتگاههای مخفی در سرتاسر کشور گردند که فی الحال به صورت شتابزده ای در حال افزایش و توسعه است.

کم نیستند افراد کم گناه و بی گناهی که بر اثر نداشتن پشتوانه افکار عمومی و در بستر نقض حقوق بشر در دخمه های مخفی زنده بگور و سلاخی و بی سرو صدا دفن می شوند. پس باشد که مطالب این گزارش مستند چراغ روشنی برای دیدن حقایق پنهان در بازداشتگاههای مخفی باشد تا بتوانیم با آگاهسازی و افشاگری ، توجه افکار عمومی را جلب و به حمایت قربانیان نق حقوق بشر برخیزیم و در سایه این همیاری و دست به دست هم زمینه نابودی و تعطیلی این دخمه ها را در سراسر ایران فراهم سازیم.

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

[Human Rights Activists in Iran](#)

email: Info@Hra-Iran.org

Telfax: 021-27859131

Tel office: 001-310-598-3634

Fax: 001-586-816-0537

فهرست بازداشتگاه‌های جلد اول

- 1- آگاهی مرکز 4
- 2- بند 209 زندان اوین 22
- 3- 325 و 500 29
- 4- 2 الف 31
- 5- 59 سپاه 33
- 6- نبوت 34
- 7- عشرت آباد 2 35
- 8- ابوغریب 37
- 9- 66 سپاه 39
- 10- قمر 40
- 11- 336 ساحفاجا 41
- 12- اف 64 45
- 13- اداره پیگیری 47
- 14- دژبان 48

آگاهی تهران مرکز



همانگونه که حدوداً بیشتر شهروندان تهرانی می‌دانند مقر اصلی آگاهی تهران در نزدیکی چهارراه شاهپور واقع است. که این قرارگاه آگاهی مرکز تا اواخر دهه شصت که به مرکز آگاهی تهران تبدیل شد در اختیار شهربانی بود و از دوران پهلوی از آن به عنوان پادگان آموزشی استفاده می‌شد و به پادگان آموزشی شاهپور معروف بود که در اواخر دهه شصت پادگان آموزشی شاهپور از نیروهای ژاندارمری و شهربانی تخلیه و به نیروهای اداره آگاهی تهران تحویل شد تا نیروهای این نهاد پلیسی در آن مستقر شوند که به مرور زمان به قرارگاه اصلی و مرکز آگاهی تهران تبدیل شد.

همانگونه که بیشتر ساختمانها و پادگانهای نظامی دوران پهلوی از ساختار و معماری خاصی برخوردار بودند مجموعه بناهای حاضر در محوطه آگاهی مرکز تهران نیز از مجموعه ای از ساختمانهای شیروانی دار و قدیمی متشکل بود که هر قسمت از آسایشگاهها و ساختمانهای آن در اختیار شعبات مختلف تحقیقاتی و تجسسی آگاهی قرار گرفت و رسماً آگاهی مخوف سرتاسر ایران تشکیل شد که حتی مرکز تقلید و الگوپذیری سایر مراکز آگاهی در سراسر کشور شد که حتی برای گذاشتن به عرصه رقابت در وحشی‌گری و گرفتن اقرار از طریق شکنجه در چندین مقطع زمانی آگاهی‌های منطقه غرب تهران به آگاهی غرب وحشی و آگاهی خیابان ترکمنستان به سلاخ‌خانه تاتارها معروف شد که در این بین حتی در موقعیت‌های آگاهیهای مراکز استانها نیز برای دور نماندن از غافله وحشیگری و کسب اسم و رسم " وحشیگری را در زمینه برخورد با متهمین زیر بازداشت به جایی می‌رسانند که حتی در مراکز آگاهی مانند تهران مثال زده می‌شدند. به مانند آگاهی مشهد و اصفهان و رشت و حتی شهرستانهایی مثل انزلی و ورامین که با نشان دادن قصاوتهای

و ضرب و شتمها و شکنجه های تا حد مرگ در زمینه اقرار گرفتن از متهمین بازداشتی در بین آگاهیچی های سراسر کشور خودی نشان می دادند. ولی با این حال هیچکدام نتوانسته اند در تداوم اسم و رسم در مقوله اقرار گرفتن از طریق شکنجه به گرد پای آگاهی مرکز شاهپور برسند.

1- وضعیت فیزیکی شعبات در آگاهی :

در پادگان شاهپور سابق دور تا دور محوطه ساختمانهای تک طبقه به مانند آسایشگاه سربازان وجود داشت که پس از انتقال آگاهی به آنجا این سالنها و آسایشگاهها را با دیوارهایی به چندین سالن کوچکتر تبدیل و تقسیم نمودند و هر یک از ساختمانها را تبدیل به 1 الی 3 شعبه تجسسی نمودند و در اختیار شعبات قرار دادند که در این شعبات اتاق افسر پرونده ها و رییس شعبه و اتاق بازجویی و اتاق شکنجه به طور مستقل در همه شعبه ها بدون استثنا وجود داشت به همراه اتاقی که متهمین را از صبح زود می آورند و تا بعد از ظهر در آنجا نگهداری می نمودند و بعد مجدداً به بازداشتگاه عمومی و مرکزی در داخل آگاهی باز می گرداندند که البته امروز با اتمام ساختمان جدید اداری در آگاهی مرکز بیشتر شعبه ها به این ساختمان منتقل شده اند و دارای مجموعه های مجهزتری گردیده اند.

2- مراحل ورود بازداشتیهای مراجع پلیسی و انتظامی به آگاهی مرکز:

بیشتر متهمین بازداشتی در آگاهی راساً توسط مامورین آگاهی بازداشت و به آگاهی منتقل می شوند و می توان به راحتی گفت در بیشتر موارد کمتر از 20 درصد بازداشتیها منطبق با دستورات و جریانات قانونی می باشند و مابقی افراد بازداشتی زیر بازجویی و تحقیق در آگاهی کسانی هستند که از طریق کلانتری ها و حوزه های انتظامی و اطلاعاتی نیروهای انتظامی و با دستور قضایی برای تکمیل پرونده از طریق بازجویی فنی و تخصصی یا همان شکنجه و ضرب و شتم و شکستن دست و پا و اقرار گرفتن زیر هر شرایط به آگاهی تحویل یا منتقل می شوند.

3- مرحله اول ورود بازداشتیها به آگاهی و مرحله ثبت رایانه ای پرونده :

در ابتدای ورود هر متهم به قرارگاه آگاهی مرکز " متهم در سالنی کنار دیوار و یا روی صندلی به حالت دستبند و پا بند شده نگهداری می شود و وظیفه مامورین ریزو درشت و درجه دار و افسران

این است که هر متهمی را که دستبند به دستش دیدند برای اینکه حساب کار دستش بیاید و کاملاً درک کند که آگاهی کجاست و مسخ جو رعب و وحشت شود بدون سوال و جواب بلافاصله پس از اینکه توانستند فرد یا افرادی را در میان متهمین انتخاب کنند مورد ضرب و شتم و زدن مشت و لگد و سیلیهای پی در پی قرار می دهند و اصلاً اهمیت نمی دهند این شخص دستبند به دست گناهکار است یا بی گناه!!!!

البته در این میان افراد و متهمین سفارش شده هم هستند که مامورین ثبت رایانه ای متهمین نشان شده را با صدای بلند و غیر مستقیم به مامورین شعبات که برای ثبت متهمین آمده اند معرفی می کنند و اتهامش را می گویند تا حسابی از خجالتش درآیند و بیشتر متهمین را اینچنین در زمان ثبت هویت ترور شخصیت می کنند:

مادر به خطا اسمت چیست؟! - نام پدر..... چیست؟!!

نام مادر فاحشه ات چیست؟! - در کدام محل با خانواده جاکشت زندگی می کنی؟!!

و تمام سوالات متشابه این گونه پرسیده می شود که حتی شرورترین و سخت ترین افراد جرات حرف زدن در آن جو را پیدا نمی کنند و شاید به راحتی بتوان گفت که در آن لحظات تحقیر آمیز به هریک از این افراد تحت شکنجه روحی و روانی و جسمی حتی ترسوترین آنها کوچکترین فرصتی رخ دهد که بتواند از وسیله ای استفاده کند و راه فرار داشته باشد بلادرنگ از شدت فشارهای روانی و توهین ها و تحقیرها تک تک مامورین اطرافش را سلاخی می کند.

اصلاً باورکردنی نیست که هر ماموری که از در وارد می شود و یا خارج می شود در محدوده بخش ثبت رایانه که در مسیر تردد مامورین قرار دارد دست خالی نمی گذرد و حتماً یک یا چند نفر متهم از همه جا بی خبر را که انتظار رخ داد خاصی را ندارند ضرب و شتم و مصدوم می کنند.

4- بازداشتگاه عمومی آگاهی:

بازداشتگاه عمومی آگاهی در انتهای محوطه آگاهی قرار دارد تا کمتر در تیررس دید افکار عمومی و مراجعه کنندگان و ارباب رجوعها باشد.

این بازداشتگاه دارای دو بخش است:

بخش نخست- بازداشتگاه عمومی آگاهی است که دارای نزدیک به 10 اتاق 12 و 18 متری می باشد که بازداشتیهای زیر بازجویی درجه 2 و درجه 3 نگهداری می شوند به همراه افرادی که از طریق آگاهی و به دستور مرجع قضایی از زندانها تحویل آگاهی گردیده اند.

بخش دوم- بازداشتگاه آگاهی که متهمین ویژه در آن نگهداری می شوند مانند: متهمین شعبه های 1 سرقت مسلحانه و 10 ویژه قتل و 18 ویژه کیف قاپی و تعدادی از متهمین ویژه که باید مورد

ضرب و شتم دید و رعب و وحشت و فشار روانی سخت قرار گیرند که البته این افراد در انفرادیهای خاص نگهداری می شوند و محدوده آن به بازداشتگاه سوویت مشهور است که در اصل همان انفرادی مطلق و بدون هیچگونه امکانات می باشد که از جهت گمراه کردن افکار شنوندگان این انفرادیهای مخوف را سوویت نامگذاری کرده اند.

در این انفرادیها که سوویت نام دارد تمام بازداشتیهای آنرا طی 24 ساعت شبانه روز با دستبند و پابند و در حالی که کیسه ای از کتان بر سرشان کشیده شده در انفرادیهایی که همیشه مرطوب نگهداری می شود بدون برخورداری از نور نگهداری می کنند و برای شدت شکنجه گاهی اوقات تا چند روز فرد را از استفاده توالت محروم می کنند حتی در زمان انتقال به دستشویی و شعبات بازجویی نیز دستبند و پابند و کیسه از سرهای آنان خارج نمیشود و حتی در زمان خواب هم باید با همین شرایط بخوابند و فقط و فقط در هنگام تغذیه و بازجویی انهم فقط کیسه از سرشان برداشته می شود و در بیشتر زمانها آنها را وادار به زدن اثر انگشت به ورقهای سفید بازجویی می کنند که افسر پرونده ها به راحتی خواسته های خود را از زبان متهم در آنها بنویسند.

5- مراحل ورود به بازداشتگاه آگاهی مرکز:

در تمام مراحل ورود به بازداشتگاه بدون استثنا متهمین را لخت مادرزاد می نمایند که البته شدت برخورد در زمان انتقال به بازداشتگاه برای افراد متفاوت است.

متهمینی که برای نخستین بار به محدوده بازداشتگاه قدم می گذارند باید رعب و وحشت حاکم و اقتدار متولیان بازداشتگاه را روحا و جسما و عملا درک و حس کنند که این مقوله میسر نیست جز به اینکه در همان روز و لحظه ورود زهر چشمی تمام عیار از آنان گرفته شود.

درست در جایی که متهمین به صف می ایستند تا به داخل بازداشتگاه وارد شوند دستور لخت شدن به همه داده می شود و همه بدون استثنا پیر و جوان و مریض و سالم چه هوا سرد باشد چه گرم لخت می شوند و با یک شورت می ایستند و بازرسی به صورتی انجام می شود که همه افراد لخت مادرزاد شدن متهم تحت بازرسی را ببینند و بیشتر این افراد تازه وارد های بازداشتگاه هستند.

در این میان مامورین بازرسی بازداشتگاه به خوبی می دانند که تب و ترس و رعب و وحشت آگاهی سرتاپای تک تک متهمین ورودی به بازداشتگاه آگاهی را فرا گرفته و آنها نیز برای دامن زدن هرچه بیشتر به این رعب و وحشت و ایجاد کردن زمینه سو استفاده و بهره برداری در آینده هر چه نزدیک در محیط بازداشتگاه هر آنچه در توان دارند در زمینه ایجاد رعب و وحشت و شکنجه می کنند.

مامورین بازرسی پس از اعلام اینکه همه افراد لباسهای خود را در بیاورند و محتویات لباس و جیبهای خود را در لبه طاقچه مانند محل ایستادن خود بگذارند که بیشتر شامل مدارک شناسایی و

پول می شود که در همان لحظه نخست چند نفر قربانی اجرای سناریوی ایجاد رعب و وحشت می شوند چون چند نفری که بیشتر آنها از میان بدبختترین و ژولیده ترین افراد بازداشتی انتخاب می شوند را در برابر چشمان سایر متهمان انچنان با کابل و تسمه می زنند که دیگر کسی توان و جرات صحبت کردن و اعتراض نداشته باشد و این نمایش توحش تا مرحله نخست رخدادهای توسط مامورین بازداشتگاه است.

در برابر چشم فرد بازداشتی که در حال بازرسی توسط مامورین است مامور بازرسی و همکارانش اموال بازداشتی را که تا حد مرگ از وحشیگریهای حاکم در آگاهی ترسیده به طور علنی برداشته و تقسیم می کنند.

اگر فرد بازداشتی یک و یا چند دسته پول داشته باشد بدون شمارش از یک سوم تا نصف آنرا بر می دارند و گوشه ای می اندازند و یا در جیب می گذارند و در این میان متهم بازداشتی صاحب پول و یا ساعت و یا انگشتر گرانبیامت که همین چند حظه پیش وحشیانه ترین ضرب و شتمها را آنهم به خاطر هیچ چیز دیده بود قادر نمی شود که نفس بکشد چه برسد به اینکه اعتراض کند. البته همه این رخدادهای از همان ابتدای ورود متهمان به آگاهی سازمان یافته و برنامه ریزی شده اجرا می شود تا مامورین از این فرصت پیش آمده نهایت بهره را ببرند و حتی اگر ناموس متهم بازداشتی را هم از دستش بگیرند بر اثر رعب و وحشت حاکم نتواند حرف بزند و نفس بکشد.

6- مکان و روش نگهداری امانت های متهمان بازداشتی در بازداشتگاه آگاهی:

پس از اتمام مراسم پر شور باجگیری در قسمت بازرسی بازداشتگاه متهمین بازداشتی تازه وارد مرحله جدیدی از اخذی شدن می شوند که در آن به اجبار اموالشان به بهانه ممنوعیت برای نگهداری در محیط بازداشتگاه دریافت می شوند بدون اینکه رسیدی در قبال دریافت آنان داده شود.

که این مجموعه به اصطلاح نگهداری اموال متهمین متشکل است از چند صد کمد در باز و بدون قفل و کلید که متهمین بازداشتی را وادار می کنند اموال خود را از قبیل کیف و کفش و کاپشن و کمربند را هر چقدر هم ارزان قیمت و گرانبیامت باشد بدون سوال و جواب و اخذ رسمی در یکی از کمدها قرار دهند که در این بین منظور و مقصود اصلی و اساسی و هدف نهایی در این مرحله یعنی تحویل گرفتن وسایل " همان در تیررس قرار دادن اموال با ارزش و گرانبیامت افراد بازداشتی است که از همان لحظه نخست طراحان حرفه ای اصول بازداشتگاه نقشه به یغما بردن آنرا ریخته و در سردارند.

در این بین چند درجه دار و افسر در بازداشتگاه مسئول برنامه ریزی و هماهنگی در مورد سرقت و نقل و انتقال اموال گرانبهای بازداشتیها از مرکز نگهداری اموال و امانات به خارج از بازداشتگاه و اداره آگاهی هستند که پس از انتخاب وسایل گرانبهای بازداشتیها که داخل کمدها قرار دارد کیف و کفش و خصوصا کتابهای خارجی و کاپشن و یا پالتوهای گرانبه و به درد بخور را جدا و از محل نگهداری و امانت گذاشته شده به خارج از انبار بازداشتگاه منتقل می کنند که قسمتی از این وسایل در همانجا میان افراد خواهان تقسیم می شود و یا به آشنایان بخشیده و باقی وسایل از بازار فروش کفشها و کاپشنهای اسپرت دسته دوم میدان گمرک و مولوی سر در می آورد که البته هیچ وقت کسی در مورد مفقود شدن آنان پاسخگو نیست چون کسی رسیدی اخذ نکرده که بتواند اموالش را بخواهد و از طرف دیگر مامورین خوب می دانند که متهمین در صورت انتقال از بازداشتگاه آگاهی بیشتر به زندان منتقل می شوند و فریاد و مدعایشان در مورد اموالشان به جایی نمی رسد و یا در حال آزاد شدن از آگاهی متوجه مفقود شدن اموالشان می شوند که از شوق فرار از آگاهی و روزهای وحشتبار آن از خیر اموال مفقود شده شان می گذرند و اما اگر کسی در این میان زیاد پافشاری کند یا می گویند چنین ادعایی دروغ است و چنین اموالی نداشته و یا می گویند دوستان خودتان در موقع آزادی با خود برده اند.

خلاصه اینکه آشکارا دزدی و خیانت در امانت و زورگیری و باجگیری و اخذ رشوه می شود و کسی توان اعتراض و نفس کشیدن ندارد.

7- شرح کامل وضعیت از داخل بازداشتگاه عمومی و ویژه آگاهی مرکزی:

الف: تغذیه در بازداشتگاه آگاهی:

در بازداشتگاه آگاهی مرکز که الگوی سایر بازداشتگاههای مراکز آگاهی در استانها و شهرستانهای سراسر کشور است تقریبا چیزی به نام تغذیه و وعده غذایی وجود ندارد و در محوطه حیاط تقریبا 100 متری بازداشتگاه یک اتاق وجود دارد که در آن نان ماشینی و کنسرو و نان و پنیر و اقلام مشابه با چند ده برابر قیمت از جهت تغذیه به بازداشتیها فروخته می شود.

از جهت نوشیدنی باید گفت که به طور کلی نوشیدنی گرم و چای وجود ندارد ولی می توان یک پارچ و یا بطری پلاستیکی یک لیتری آب جوش را به همراه یک کیسه چای کیسه ای که داخل آن می اندازند برای نوشیدن به صورت قانونی از فروشگاه بازداشتگاه به قیمت 2 هزار تومان خرید و در صورت بسته بودن و نیاز به چای در داخل بازداشتگاه هر لیوان چای را 5 هزار تومان می فروشند و به طور کلی چیزی به نام خرید و فروش و انتقال دخانیات و استعمال آن در بازداشتگاه وجود ندارد

تا با این همه فشار افسرین نگهبان و درجه داران بازداشتگاه بتوانند نهایت بهره را از بازار سیاه سیگار ببرند که با این ایجاد محدودیت و ممنوعیت مصنوعی سیگار را به افراد سیگاری از نخ (دانه ای) 5 الی 10 هزار تومان می فروشند و محدودیت را تا جایی برای سود جویی پیش می برند که در بعضی مواقع یک نخ (عدد) سیگار در بازداشتگاه آگاهی گرانتز از یک گرم مواد مخدر خرید و فروش می شود.

البته نباید در این بین موارد استثنایی ارائه تغذیه را فراموش کرد که برخی اوقات پس مانده های غذا و مازاد غذای آشپزخانه آگاهی را می آورند و به بازداشتیها بدون هیچ گونه نظم و ترتیب خاصی می دهند. که البته اگر کسی برای تهیه غذا پول نداشته باشد و سایرین به او کمک نکنند برای تهیه غذا عملاً فرد بازداشتی در گرسنگی مطلق به سر می برد و نمی تواند از هیچ گونه مرجعی چیزی به عنوان جیره و تغذیه دریافت نماید و باید دوران بازداشت خود را گرسنه و یا نیمه گرسنه و در حال گدایی برای غذا سپری نماید.

البته لازم به ذکر است که در این بین یکی از بازداشتیهای مستقر در انفرادی از طرف سایرین در روز یک بار پس از بازگرداندن بازداشتیهای بند عمومی آگاهی به سلولهایشان حق خرید برای افراد ساکن در انفرادی یا همان بخش سوئیت بازداشتگاه آگاهی را دارد چون سایر بازداشتیهای این بند بر اثر دستبند و پابند بودن دائم و بر اثر کشیده شدن کیسه بر سرشان توان حرکت ندارند که البته بر اثر محدودیت حرکتی اکثراً پس مانده مامورین آگاهی به متهمین انفرادیهای بازداشتگاه آگاهی می رسد و آنها کمتر از سایرین گرسنه می مانند.

ب: بهداشت و استحمام در بازداشتگاه آگاهی :

با توجه به میزان و تعداد افراد بازداشتی در بازداشتگاه آگاهی و محدودیت مکانی و کوچک بودن سلولها و بالابودن آمار افراد داخل یک اتاق که عملاً داخل یک اتاق 18 متری گاهی تا 30 نفر نگهداری می شوند که اجباراً بر اثر تنگی جا روی هم می خوابند و کل امکاناتشان در این اتاقها فقط موکت کثیف و نمناک زیر پایشان است که هرازگاهی برای بالابردن میزان شکنجه و فشار و ایجاد زمینه اخاذی از بازداشتیها افسرین نگهبان و درجه داران روی موکت اتاقها آب می پاشند تا به این طریق امتیاز اقامت در سلولهای خشک و کم جمعیت را به متهمین متمول و پولدار در قبال وجوهات سنگین بفروشند.

مقوله استفراغ و بی اختیاری ادراری و ترکیدگی و عفونت کف پاهای متهمین تعزیر و مضروب شده بوسیله کابل و سیم و تسمه که دیگر جزء اتفاقات عادی و پیش پا افتاده در بازداشتگاه آگاهی

محسوب می شود که در این بین نبود تهویه مناسب باعث شده که انواع بیماریهای تنفسی و اسهال و استفراغ به همراه سرگیجه مدام در بین افراد بازداشتی شایع باشد. خصوصا اینکه با این وضعیت عدم وجود امکانات بهداشتی بیماریهای چشم درد و عفونت چشمی و بیماری پوستی گال از بیماریهای رایج و مصری در بازداشتگاه آگاهی می باشد که بازداشتیها با بستن تفاله چای بر روی چشم عفونت چشمانشان را درمان می کنند. ولی در مورد بیماری پوستی گال اکثرا با دخالت و اعتراض بازداشتیها مواد ضد عفونی به افراد مبتلا شده به این بیماری داده می شود.

وجود شپش یکی از عادی ترین چیزهاست که در بازداشتگاه وجود دارد و در کمتر از 2 ساعت اقامت در اتاقها خود به خود تمام لباس و تن و سر فرد بازداشتی پر از شپش می شود. نحوه بهره مندی از استحمام در وضعیت معمولی فقط 3 الی 5 دقیقه آنهم به حالت دسته جمعی است که همه بازداشتیهای بالای 15 روز اقامت در بازداشتگاه را لخت مادرزاد در اتاقی می اندازند که حدود 5 دوش وجود دارد و به هر 10 نفر یک قوطی متوسط پودر رخشویی داده می شود تا در زمان شستشو اسید پودر رخشویی بدن را ضد عفونی کند و شپشهای بدن و سر را از بین ببرد. به طور رسمی در آگاهی شاهپور از بهداری و درمانگاه و پزشک به طور مطلق خبری نیست فقط در موارد بسیار بسیار حاد و اضطراری که مسئولین بازداشتگاه از امکان مرگ کسی بیمناک شوند آنهم به خاطر فرار از مسئولیت اجازه می دهند که یک بهیار کشیک بیمار و یا مصدوم را معاینه کند و دارو بدهد ولی در صورتی که تا مرحله نزدیک به مرگ پیش برود او را آنهم به بیمارستان سجاد که تحت نظارت نیروی انتظامی اداره می شود می فرستند تا اگر بیمار و یا همان متهم مصدوم بر اثر ضرب و جرح و عواملی مانند آن فوت کرد همانجا مسئله را ماست مالی کنند. البته دور از ذهن نماند که تمام امکاناتی را که ما مدعای عدم وجودشان را داریم با خرج کردن پول در بهترین وضعیت محیاست!!

کم نیستند افرادی که از طریق اقامت در آگاهی خیلی کارها می کنند و فقط کافی است که پول باشد.

استحمام برای هر نوبت نیم ساعته برای متهمین گردن کلفت و متمول بیش از 20 هزار تومان آب می خورد که البته دهها فاکتور دیگر نیز در جهت تیغ زدن و سرویس دهی در کنار آن هست که باید متهمین این چینی و دست به جیب بپردازند.

8- نحوه انتقال متهم از بازداشتگاه به شعبات برای بازجویی:

بازداشتیها را پس از ثبت در دفاتر آگاهی به شعبات مختص به اتهاماتشان می برند و پرونده هایشان را راسا رئیس شعبه در اختیار افسرین پرونده ها قرار می دهد.

هر افسر پرونده بین 1 الی 3 درجه دار زیر دست دارد. متهمین در شعبات در اتاقهای انتظار نگهداری می شوند و در موقع لزوم بازجویی می شوند و یا مورد شکنجه قرار می گیرند. البته هیچ وقت و قانون معینی برای امور فوق در شعبات آگاهی وجود ندارد. شب و صبح و ظهر فرقی ندارد هر وقتی را که افسر پرونده دوست داشته باشد برای بازجویی انتخاب می کند حتی شده باشد نیمه شب و یا 4 و 5 صبح البته در این نقل و انتقالها به بازداشتگاه آگاهی و شعبات آگاهی بعضی متهمین را به صورت سوری و مصنوعی نگهداری می کنند و چند مورد در همان اوایل حضورشان در شعبات شکنجه می کنند و مابقی زمان را فقط برای توجیه زمانی و نشان دادن نمایشی دقت و مدت زمان تحقیقات در آگاهی نگه می دارند و در مواردی هم برای پاک شدن آثار و علائم شکنجه و ضرب و شتم در بدن متهمین آنان را با عناوین مختلف نگه می دارند تا در موقع انتقال به دادگاه و یا زندان آثار و علائم شکنجه وجود نداشته باشد تا توسط بهداری زندان صورت جلسه نشود.

9- عملکرد کارچاق کن ها و دلالها و واسطه ها در محدوده آگاهی مرکز:

همانگونه که سالیان سال است معضل و سرطان کارچاق کنی در تمام امور اداری به جان ادارات و مراکز دولتی افتاده و شاخه ای از دامنه های گسترش فساد اداری است اداره آگاهی مرکزی تهران نیز از آن مصون نیست.

جلوی درب آگاهی و داخل محوطه و داخل شعبات محل تردد و جولان انواع و اقسام واسطه ها و کارچاقکنها و دلالان شعبات است.

بیش از 90 درصد این افراد ارتباط مستقیم و چندین ساله با مسئولان و متولیان و افسران و درجه داران شعبات دارند که سابقه کار بعضی از این افراد در زمینه کارچاق کنی و واسطه گری به بیش از 20 سال می رسد.

در محدوده آگاهی و شعبات در کمین مراجعه کنندگان به آگاهی هستند و پرس و جو می کنند که آقا و یا خانم مشکل شما چیست و در قبال حل پرونده خود چقدر می دهید! درست مثل بازار بورس فقط با این تفاوت که در اینجا همه چیز مثل شرافت و انسانیت و عدالت و حق و حقوق مردم خرید و فروش می شود و کسی کاری ندارد که بر سر صاحب حق چه می آید.

البته هر شعبه ای و هر افسر پرونده ای کار چاق کن مختص خود را دارد که از نظر برخورداری از آخرین متدها و شگردهای کارچاق کنی و واسطه گری در اخذ رشوه سابقه طولانی دارند.

البته در این بین کار چاق کن ها با همکاران خود زد و بند دارند و به راحتی به هر شخص و شعبه از طریق واسطه مخصوص آن شخص نفوذ می کنند و پول می دهند و امتیاز دلخواه دخالت در امور

پرونده را می‌خرند البته در مواردی هم که شخصی از قلم می‌افتد و کار چاقکن‌ها و واسطه‌گرها نمی‌توانند در امور مذاکرات اخذ رشوه معامله کنند افسر پرونده‌ها غیر مستقیم خانواده‌ها و یا خود متهم را به دام واسطه‌ها و کارچاقکنهای خود می‌اندازند.

دلالتها و کارچاقکنها بر اثر فواید کلان مالی که برای ماموران آگاهی دارند حتی راحتتر از فرمانده کل نیروی انتظامی و آگاهی می‌توانند در محوطه شعبات آگاهی تردد نمایند.

در جایی که ارباب رجوعها را به داخل محوطه و شعبات راه نمی‌دهند آقایان کارچاقکن به همه جا سرکشی می‌کنند و اطلاعات محرمانه را به متقاضیان می‌فروشند و در مورد هزینه‌های رتق و فتق و بستن و یا حتی تشدید کردن وضعیت پرونده‌ها چانه زنی و معامله می‌کنند.

اکثرا با گرفت شماره تلفن از افراد درمانده و لا علاج به آنها زنگ می‌زنند و شرحی از پرونده را به خانواده‌ها می‌گویند و مثلا می‌گویند که افسر پرونده به همراه دستیارانش که باید حق رئیس شعبه را بدهند روی هم برای فلان کار از 3 میلیون تا... می‌خواهند. که البته معاملات مختلف است بر روی مختومه شدن پرونده و یا سبک شدن پرونده و یا معدوم شدن پرونده که هر کدام با تناسب حجم پرونده متفاوت است ولی هزینه‌های زد و بند و باج خواهی در آگاهی بسیار بسیار کلان است که در اکثر مواقع بیش از نیمی از مبلغ اخذ شده در جیب کارچاقکن‌ها و واسطه‌ها می‌رود و در این بین اصلا مهم نیست که حق چه کسی ضایع می‌شود.

البته دسته بسیار محرمانه دیگری نیز در این بین با نام سند گذارها در آگاهی فعال هستند که دقیقا با نظارت کامل افسر پرونده‌ها کار می‌کنند که قضیه به این صورت است که افسر پرونده‌ها با مجاری محرمانه‌ای که در اختیار دارند پرونده مجرمین و متهمین خاص و گردن کلفت را که تقاضای مساعدت دارند به صورت دلخواه و خاصی می‌بندند و مبالغ کلانی دریافت می‌کنند که از آن طریق متهمین و یا بازداشتی را با صدور قرار وثیقه از طریق قاضی آزاد می‌کنند و البته برای بهره بردن هرچه بیشتر از اینگونه متهمین که شاید در سال بیش از 10 مورد برای هر افسر پرونده رخ ندهد خرج را بالاتر می‌برند و از طریق شبکه مخفی خود سند گذاری می‌نمایند که این زد و بندها بعضی مامورین آگاهی را طی سالها خدمت صادقانه و مخلصانه در رکاب همکاران کارچاقکن و دله دزدشان به ثروتهای میلیاردی و افسانه‌ای رسانده و بی دست و پا ترین مامور در آگاهی در کمتر از 2 سال از بهترین امکانات زندگی در پرتو اخذ رشوه و باجگیری و حق کشی پولکی بهره مند می‌شود که البته هر کسی در این مجموعه خلاف جریان حرکت کند به هر نحوی از گردونه خارج و تردد و اخراج می‌شود.

چون تیمسار و سرهنگ و سرگردی که امروزه فرمانده مجموعه آگاهی است از زمانی که با ماشین گشت شبانه در خیابانها با درجه گروهبانی رشوه می‌گرفته تا حالا که افسر عالیرتبه شده پس او به راحتی این سیستم و خانواده آلوده و فاسد و باجگیر و رشوه خوار را پذیرفته و هیچوقت به

سیستمی که در آن به همه چیز رسیده خیانت نمی کند و با آن نمی جنگد. البته در این موارد به مدعیات فرماندهی نیروی انتظامی کل کشور و فرماندهی آگاهی فعالیت‌های بسیاری انجام شده که از آن جمله مجموعه 197 شکایت از پلیس و تشکیلات ضد اخذ رشوه و کار چاق کنی می باشد که البته فرموده اند سالیانه 16 درصد اخذ رشوه در نیروهای پلیس رشد دارد که امسال توانسته ایم جلوی رشد بیش از 16 درصد اخذ رشوه را در میان نیروهای پلیس بگیریم.

10- نحوه شکنجه در شعبات:

نحوه شکنجه در شعبات آگاهی قبل از تاسیس ساختمان اداری جدید به این نحو بود که تمام شعبات دارای اتاقهای شکنجه مجزا بودند ولی بر اثر تلفات گسترده و نقص عضوهای پی در پی و شکایات مردم به نهادهای مختلف داخلی و خارجی تدابیری در آگاهی در جهت نحوه شکنجه اندیشیده شد که در آن به غیر از شعبات 1 سرقت مسلحانه و 10 ویژه قتل و شعبه 18 کیف قاپی و شعبه کشف جرایم مابقی شعبات که نزدیک به 20 شعبه هستند متهمین خود را به گوشه ای محصور شده در قسمت همکف ساختمان جدید آگاهی می برند و تعدادی از درجه داران و افسران به طور دسته جمعی متهمین را شکنجه می کنند " از زدن کابل و تسمه و باتوم گرفته تا از سقف آویزان کردن مثل جوجه به سیخ کشیده شده جوجه کباب و با میله آویزان می کنند و یا با آویزان کردن افراد کتف متهم را از جای در می آورند و یا با لوله و چوب دست و پا و حتی انگشت‌های دست و پای متهم را می شکنند که البته نام این نوع بازجویی و شکنجه ها از نظر مراجع قضایی و قانونی بازجویی فنی و تخصصی است که آنقدر با چوب به سر متهم می زنند تا به صدها سرقت و چند قتل و سرقت مسلحانه و تجاوز به عنف اعتراف کند که مشهورترین روش در سالهای گذشته در آگاهی تهران بستن متهمین به درخت کلفت و قطور محوطه و یا همان درخت سخنگو بود که فرد را از پشت به این درخت دستبند می زدند و دستهای فرد آنقدر کشیده می شد تا " تاندونهای دستش پاره شود و بیهوش شود و آنقدر آب سرد به سرش می ریختند و کابل و مشت و لگد می زدند که حتی به زنا با مادر و خواهرش اعتراف کند.

10 / 1 - شکنجه خارج از ادارات آگاهی:

البته در این بین به خاطر بعضی از محدودیتها و نظارتها که بنا به مدعای رئیس کل نیروی انتظامی کل کشور آقای احمدی مقدم از طرف سران کشور اعمال شده در مقوله جلوگیری از شکنجه متهمین در آگاهی که فرمانده نیروی انتظامی نیز بر آن اقرار دارد و افسرین و مسئولین شعبات

آگاهی آنرا نمی پذیرند و متهمین را در مواردی که نمی توانند آنگونه که می خواهند در محدوده آگاهی شکنجه کنند به محله های خلوت و پارکها و باغها و حومه شهر می برند و عملیات شکنجه را در آنجا انجام می دهند و اگر بر حسب اتفاق متهم کشته شد و زیر شکنجه تمام کرد 2 تیر به بدنش می زنند و می گویند در حال اعزام به محل تحقیقات می خواست فرار کند که مورد اصابت گلوله قرار گرفت و تمام " که البته این شکنجه خارج از محدوده آگاهی به شدت در حال گسترش و ترویج در ادارات آگاهی سرتاسر کشور است.

10 / 2 - شکنجه نوجوانان و پیرمردان :

در آگاهی نوجوانان و جوانان کم سن و سال را در سلولی جداگانه نگهداری می نمایند و اکثرا شکنجه های آنان بدنی می باشد که دارای رعب و وحشت است ولی شدت شکنجه متهمین میانسال و حرفه ای را ندارد.

اکثرا به تراشیدن مو و سیلی های پی در پی و کابل و تسمه زدن ختم می شود که در بعضی موارد برای اقرار گرفتن سریع نوجوانان را در بین چند نفر شکنجه گر می اندازند که با یورش چند نفره متهم را ترسانده و اقرار بگیرند که در صورت جواب ندادن این روشها متهم نوجوان را به سلول متهمین خطرناک مثل : قتل و سرقت مسلحانه و تجاوز به عنف می برند تا غیر مستقیم شکنجه شود و اگر سوء استفاده ای هم رخ داد چشم می بندند.

البته در بین متهمین آگاهی گاها افرادی دارای سن و سال بالا نیز یافت می شوند که بالای 60 سال سن دارند و یا خیلی ضعیف هستند که بسیار رخ داده این افراد تحت شکنجه دچار حمله قلبی و ایست قلبی و مشکلاتی شده اند که به فوت و مرگ متهم منجر شده است به خاطر همین شکنجه این افراد محدودتر و اکثرا روانی است مثل: شکنجه در 12 شب و یا 4 صبح و یا اینکه تعداد کمی ضربات با سیم نازک به کف دست و کف پایشان می زنند و یا با چند سیلی آنها را می ترسانند و یا به اتاقی می برند که متهمین دارای شرایط خاص راشکنجه می کنند تا فرد پیر با دیدن شکنجه ها اقرار کند و در مواردی در دست و پا و خصوصا انگشتان دست به عمد در رفتگی ایجاد می کنند و با زدن ضربات بر روی نقطه در رفتگی و باد کرده و متورم فرد را شکنجه می دهند تا حرف بزند.

10 / 3 - شکنجه های تمام عیار و با اختیار مطلق:

اینگونه شکنجه ها با اختیارات مطلق به روسای شعبات در موارد خاص داده می شود که از جمله از آن مثل : قتلها و یا تجاوز به عنفهای زنجیره ای است که در آن مامورین و افسر پرونده ها ی شعبات اختیارات مطلق دارند که برای اقرار گرفتن و یا حتی فقط در جهت شکنجه دادن با متهم

همه کار می کنند " از بازداشت اهل خانواده و همسر و فرزند و شکنجه آنان در برابر چشم او تا زدن پی در پی شوکهای الکتریکی و شکستن دست و پا و فک و دنده های متهم و یا استعمال کردن شیشه نوشابه و باتوم و تخم مرغ داغ به متهم و یا انتقال 24 ساعته تا 72 ساعته به زندانهای مجرمین خطرناک مثل: رجایی شهر به طور سفارشی که زندانیان گاه تا بیش از 20 نفر به متهم ویژه و سفارش شده تجاوز می کنند و این عمل با مجوز غیر مستقیم متولیان انجام می شود که در مورد چندین نفر از متجاوزین به عنف و کودک آزارها این اعمال صراحتاً انجام شده است.

البته در مواردی شدت شکنجه به حدی به اوج غیر انسانی بودن می رسد که آثار و علائم شکنجه اینگونه متهمین تا سالیان سال بر روی دست و پا و بدنشان باقی می ماند به مانند مواردی که پای متهم ویژه را از چند ناحیه با تیغ مجروح می کنند و پایش را در محلول آهک می گذارند تا اقرار کند و یا اینکه آنقدر با سیمهای مفتولی نازک بر کف پا و دست او می زنند که حالت فرورفتگی و برشهای پی در پی تیغ را پیدا کند که سالها طول می کشد تا آثار آن التیام یابد و نه پاک شود. که البته پر واضح است اینگونه موارد خاص به گونه ای شکنجه می شوند که شکنجه و زجر بیشتری بکشند ولی نمیرند تا بتوان از اعترافات آنان بیشترین بهره را برای تبلیغات در مورد عملکرد اداره آگاهی و توجیه رفتارهای ضد بشری آن نمود.

11- بازداشت‌های جایگزین:

یکی از رایجترین موارد بازداشت در آگاهی بازداشت‌های غیر قانونی و ضد انسانی جایگزین است که در آن مأمورین آگاهی رسماً گروگان گیری می کنند.

مادر و پدر را به جای پسر دستگیر می کنند و یا همسر را به جای شوهر و یا فرزند را به جای پدر و یا برادر و خواهر را به جای برادر که در این موارد با همسویی با مراجع قضایی و یا پنهان نگاه داشتن این اعمال ضد انسانی از متولیان و یا در جریان گذاشتن و کسب مجوز غیر رسمی این اعمال را انجام می دهند که خانواده مهم فراری و یا غیر قابل دستگیری را غیر قانونی بازداشت و نگهداری و بازجویی و شکنجه می نمایند و حتی در موارد بسیاری به نحوی برای خانواده متهم فراری و غایب با چراغ سبز متولیان قضایی و آگاهی پرونده سازی می کنند که آنان را یا در آگاهی نگاه دارند و یا روانه زندان کنند تا فرد غایب و فراری تحت شرایط روحی و روانی خاص خود را از بیم تجاوز و تعرض و شکنجه به خانواده اش تسلیم کند چون دقیقاً شخص در این شرایط به یقین می رسد که با ضد انسانی ترین و کثیف ترین دستگاه پلیسی و انتظامی رودررو است که از هیچ کار ضد انسانی برای رسیدن به اهداف خود فرو گذار نیستند حتی شده نقض حیاتی ترین حقوق افراد جامعه که از جمله آن شکنجه افراد بی گناه خانواده در برابر چشمان متهم بازداشتی است.

12- بازداشت‌های غیر قانونی:

اکثریت بازداشت‌های اداره آگاهی و افسرین آن بدون احکام قضایی و غیر قانونی و سلیقه ای انجام می‌گیرد و پس از دستگیری و حتی شکنجه‌های اولیه و گرفتن اقرار نامه‌های متعدد تازه مجوز بازداشت گرفته می‌شود در حالی که در بعضی موارد بیش از 48 ساعت از بازداشت متهم در آگاهی می‌گذشته و بعد مجوز بازداشت اخذ گردیده است که این خود نوعی تبانی است که مرجع قضایی بر روی عملکرد غیر قانونی با آگاهی به صورت کامل سرپوش می‌گذارد.

13- وضعیت زنان بازداشتی:

اکثر زنانی که مورد اتهام واقع می‌گردند و بازداشت می‌شوند افرادی هستند که مستقیماً مرتکب جرمی نگردیده‌اند و اکثراً به عنوان مطلع و یا کسی که می‌تواند به عنوان طعمه برای بازداشت مجرمین و متهمین اصلی از آن استفاده کرد بازداشت می‌شوند و اکثراً همسران و خواهران و مادران متهمین بازداشتی یا تحت تعقیب هستند که البته در موارد بسیاری دختران و زنان دارای رابطه عاطفی با متهمین بازداشتی و یا تحت تعقیب را نیز با بهانه‌ها و عناوین مختلف بازداشت می‌نمایند که برخوردهای فیزیکی و شکنجه در موارد خاصی در مورد آنها انجام می‌گیرد که به زدن تعداد کمی کابل و تسمه و چند ضربه به دست و پا و کمر با باتوم ختم می‌شود که متهم زن را به مانند اجرای احکام شلاق به صندلی و یا ستون می‌بندند و چادر بر سرش می‌کشند و شروع به زدن می‌کنند که البته این گونه شکنجه در چند ساله اخیر که تا حدودی اطلاع‌رسانی گسترش یافته و نوک پیکان شکایات مردم به طرف شکنجه‌گران آگاهی نشانه گرفته شده به عنوان شکنجه متعادل و متعارف در مورد زنان بازداشتی و متهم و مجرم و یا حتی بی‌گناه برای گرفتن اقرار اعمال می‌شود در حالی که تا چند سال قبل از این شکایات و افشاگریها می‌توان گفت تمام شکنجه‌های اعمال شده بر روی مردان بر روی زنان نیز اعمال می‌شد خصوصاً اینکه آن زمان در آگاهی مامور زن وجود نداشت و یا اصلاً بازی داده نمی‌شد.

مامورین مرد در اوقات دلخواه و با انواع و اقسام شکنجه‌های وحشیانه زنان و دختران و نوامیس متهمین بازداشتی و یا خود متهمین و مجرمین زن را اذیت و آزار و شکنجه می‌دادند که این شکنجه‌ها و تعرضها و تجاوزات پنهانی به حق و حقوق هموطنان زن در شعبات و دخمه‌های آگاهی و در مراحل تحقیقات و تجسس و حتی دستگیری حداقل بر تک تک افرادی که با امور و افراد آگاهی سرو کار دارند محرز و مسلم و مشخص است که بهره‌کشی و سوء استفاده‌های جنسی و هدایت به خانه‌های مجردي و پاتوقی مامورین آگاهی جزء پیش‌پا افتاده‌ترین مسائل رایج در امر برخورد با متهمین و مجرمین منتقل و تحت بازجویی قرار گرفته زن است.

البته مامورین گاهی از نهایت کم اطلاعی و بی اطلاعی و شکننده بودن زنان در امور شکنجه بهره جسته و اکثرا با هدایت هدفمند اعترافات زنان بازداشتی و القاء اعترافات مد نظرشان که ساخته و پرداخته خودشان است و در دهان متهم زن بازداشتی به طور غیر مستقیم می گذارند افراد مد نظرشان را متهم کرده و بازداشت می نمایند و از اتهامات انتسابی و اعترافی غیر قانونی اخذ شده از زنان بر علیه افراد استفاده می نمایند. حتی در مواردی از همان روش ایجاد رعب و وحشت و فشارهای روانی که بر اثر شکنجه سایرین در مقابل چشم متهم انجام می دهند زنان را وادار به اقرار تحت فشار روانی و شکنجه می نمایند که زن بازداشتی برای خلاصی از محیط اتاق شکنجه که در مقابل چشمان او افرادی را شلاق می زنند و دست و پایش را میشکنند هرگونه اعترافی را که مد نظر مامورین باشد می کند که اکثرا این گونه اعترافات و اقرار واهی و تحت شکنجه باعث اشتباهات و رقم خوردن فجایع قضایی می شود که هم برای افراد جامعه و هم برای خود اجتماع فاجعه بار است. که البته به خاطر محدود بودن اجازه بازداشت زنان و کم بودن متهمین از این قبیل برای زودتر به نتیجه رسیدن با بزرگنمایی دلایل بازداشت متهم زن و عدم اجازه تماس با خانواده و وکیل و قرار دادن در انفرادی او را در هم شکسته و می فهمانند که تنها راه خلاصی از شکنجه در آگاهی و یا آزاد شدن و یا انتقال به زندان " اقرار و اعتراف به گناهان و جرائم کرده و ناکرده است که اکثرا می توان گفت که بازجوییهای اخذ شده از زنان حکم ورقه بازجویی سفید امضاء را برای مامورین آگاهی دارد که هر آنچه را که می خواهند در آن با اتکا به دستان و زبان درمانده و لاعلاج متم زن می نویسند.

البته در این بین گاهی اوقات شکنجه زنان با همان قرار دادن در محیط انفرادی که فاقد روشنایی و نور باشد به نتیجه می رسد و نیاز به شکنجه شدیدتر نیست.

لازم به ذکر است که در بین اینهمه زنان نقلو انتقال شده به ادارات آگاهی از قبیل گناهکار و کم گناه و بی گناه و مجرم و متهم گاهای زنانی هستند که به همراه کودکان شیرخوار بازداشت می شوند و یا اینکه دارای وضعیت بارداری هستند که می توان گفت کمترین رحم و شفقتی نسبت به آنان در مقایسه با سایر متهمین بازداشتی که نمی شود هیچ " بلکه شدت عملکرد مامورین و بازتاب روحی و روانی و جسمی آن بر روی اینگونه زنان با شرایط خاص در آگاهی و تحت شکنجه های گوناگون صد چندان است.

از مسائل بهداشتی در مورد زن دارای کودک و یا زن باردار در آگاهی خبری نیست حتی اگر مدت بازداشت او کوتاه باشد و اکثرا این متهمین زن مثل سایر متهمین مرد با بازپرسها و افسر تحقیقهای مرد رو در رو هستند و حتی مایحتاج اولیه یک زن را در بازداشتگاه ندارند. البته این موارد شکنجه زنان بازداشتی به غیر از آن است که قاعدتا در بین متهمین بازداشتی زن که اکثریت آنها دارای خانواده تک سرپرست و بی سرپرست و بد سرپرست هستند و پس از بازداشت بدون اینکه قانون

احساس تعهدی به خانواده ها داشته باشد فرزندان دختر و پسر و کودک و نوجوانشان را در خانه هاب بی سرپرست و بدون هیچ گونه نظارتی رها می کنند و سرپرست زن آنان را به آگاهی می آورند و بازداشت می کنند که اکثرا این افراد و خانواده شان اجاره نشین هستند که این خود بر بار فشارهای روانی و شکنجه مداوم این زنان تحت بازداشت می افزاید که هرگونه اقراری را که مامورین آگاهی بر علیه سایر متهمین و افراد خاص می خواهد بدون فکر کردن به درست و نادرست بودنش فقط برای رهایی و بازگشت به خانه در جهت نجات فرزندانشان انجام می دهند.

14- کاربرد انواع شگردهای کثیف مرسوم در آگاهی :

در مجموعه آگاهی صدها شگرد و ترفند برای اخاذی و چپاول و باجگیری و زورگیری و اخذ حق و حساب و رشوه وجود دارد که یکی از موارد بسیار رایج آن برای تیغ زنی و کشیدن شیره هست و نیست متهم این است که اتهام متهم و مدارک بر علیه اش را بزرگنمایی می کنند تا هرچقدر می توانند او را بترسانند و مشکل و اتهامش را سنگین جلوه دهند و بعد با این ترفند با او وارد مذاکره شوند.

اگر متهم سارق باشد اموال با ارزش را با او تقسیم می کنند و یا به گنجینه تحویل نمی دهند و با متهم به توافق می رسند که با کمترین آسیب پذیری و شاکی او را روانه دادگاه کنند و یا با اخذ مقداری از دارایی او " خودشان راههای فرار قانونی او را فراهم سازند و یا حداقل با بلاصاحب زدن بخشی از اموال مکشوفه از جرم متهم بکاهند.

البته در مواردی هم برعکس عمل می کنند و دهها پرونده ای را که مدتها حل نشده باقی مانده به گردن یک بی گناه و یا بی اطلاع از موضوعات اتهامات می اندازند. البته همانگونه که رئیس کل آگاهی در عرایض خود در هفته نیروی انتظامی فرمودند که: آگاهی و ما دیگر به دنبال کشف اموال مسروقه و امثال آن نمی رویم بلکه متهمین مضمون را می آوریم و آنها خود به اموال مسروقه اقرار می کنند.

البته مدعیات رئیس کل آگاهی صحیح است چون سارقی را می آورند و می گویند باید به 300 سرقت ضبط اتومبیل اعتراف کنی و یا سارق دیگری را که در کل عمرش 2 تا سرقت نکرده را می آورند و می گویند این 20 تا پرونده کیف قاپی بدون متهم است باید اینها را گردن بگیری و یا یک ولگرد را می آورند و می گویند 10 تا پرونده تجاوز به عنف و تجاوز به کودکان داریم همه اینها را تو مرتکب شده ای!!!

یا اینکه یک مال باخته پول خرج کن می آید و می گوید که طلا فروشی مرا زده اند و افسر آگاهی با اخذ وجه مورد مذاکره سارقی را می یابد و می گوید تو سارق طلا فروشی هستی و نشان بده به چه کسی طلاها را فروختی و بعد او را توجیه می کنند که با نشان دادن چند طلا فروش بدبخت

رو در رو بگوید اینها طلای مسروقه را خریده اند و بعد با اتکا به اینکه احتمالا هر طلا فروشی در مدت کسب و کار خود چند بار طلای بدون فاکتور خریده آنقدر طلا فروشهای بدبخت را سلاخی می کنند تا هر کدام بخشی از طلا و یا ارزش طلای مورد ادعای دزد را که به اصطلاح به آنان فروخته پس دهند که البته این شگرد در مورد تمام اصناف خصوصا طلافروشان و قالی فروشان و سمساریها و خصوصا اوراقچی ها و لوازم یدکی فروشی ها صدق می کند که با این شگرد هر کسی را به راحتی وارد جریانات و اتهامات پلیسی و قضایی می کنند و با استفاده از قدرت و ابزار قانونی سلاخی و باجگیری می کنند.

البته در این بین هرازگاهی اموال گنجینه آگاهی که سر و ته آن دقیقا مشخص نیست با چراغ سبز آقایان پشت پرده که متشکل از انواع و اقسام لوازم صوتی و تصویری و انواع فرشهای ریز و درشت و گرانبیمنت و ارزان قیمت تا هزاران قلم دیگر که از سارقین کشف شده و به عمد بلاصاحب ثبت گردیده و یا حتی لیست نشده است به همراه مقداری اقلام خاص مثل مشروبات و ماهواره های توقیفی از بازار خاصی سر در می آورند که می توان گفت هر چند ماه یک بار هزاران ضبط صوت و موبایل مسروقه از گنجینه آگاهی مفقود و از بازار سید اسماعیل و اماکن خاص خرید و فروش اینگونه اقلام سر در می آورد.

اما تنها چیزی که سرنوشت اکثر پرونده های کلان را در آگاهی مشخص می کند میزان پولیست که شاکی و مدعی پرونده خرج می کنند.

مثلا اگر در این بین کسی اتومبیل پژو پرشیای خود را بیش از مدت یک سال گم کرده باشد و سرقت شده باشد و سارقش پیدا نشود در قبال پرداخت مبلغ نصف ارزش اتومبیل او را به اتومبیلش می رسانند.

در صورتی که بتوانند سارق را و یا اتومبیل را پیدا می کنند و در غیر این صورت به سارقین حرفه ای همکار با مامورین آگاهی سفارش اتومبیل مورد نظر را می دهند و می گویند اتومبیل را فاقد پلاک و شماره موتور و شماره بدنه کرده و در فلان آدرس بگذارند و بعد اتومبیل یک بنده خدا را به عنوان اتومبیل مالباخته متقاضی تحویل می دهند و می نویسند اتومبیل مالباخته پس از یک سال تلاش مامورین آگاهی پیدا شد. اگر اتومبیل بدلی هم رنگ با اتومبیل فرد مالباخته باشد می نویسند اتومبیل شناسایی شد و بدنه و موتور آن بوسیله سارقین ناشناس پاک شده است یا اگر با اتومبیل بدلی هم رنگ نباشد می نویسند اتومبیل به غیر از پاک شدن شماره موتور و شماره بدنه به طور ماهرانه ای تمام رنگ تغییر رنگ داده شده که امثال اینگونه شگردها آنقدر رایج و تکراری است که در آگاهی تعجب کسی را بر نمی انگیزد.

البته این ها همه به غیر از مشارکت در سرقتهای بزرگ و یا هدایت آن از طریق افسرین کار کشته آگاهی است که بازداشت دهها مامور عالیرتبه آگاهی در سراسر ایران خصوصا تهران به اتهام تبانی با

سارقین در سرقت مسلحانه و سرقت منازل و سرقت مراکز تجاری و تجاوز به عنف شاهد قابل قبول و پر رنگی بر این مدعا است.

در نهایت فارغ از اینکه بود یا نبود این مرجع انتظامی چه تاثیری به همین نظم بی نظم در جامعه میگذارد باید چنین گفت که مراکز آگاهی ایران یکی از مخوفترین و بی قانون ترین و فساد خیزترین و رشوه خوار ترین مراکز انتظامی و نظامی در سطح کشور است که کمتر کسی را می توان در بین افراد جامعه یافت که اقرار بر این نداشته باشد که مامورین آگاهی و مراکز آگاهی یعنی مرکز نا حق شدن حق و حقوق و شکنجه و اخذ رشوه و تجاوز و تعرض به افراد جامعه و متهمین و مجرمین است.

نهاد و تشکیلاتی که به راحتی هر حقی را می تواند ناحق کند و هر جرمی را به گردن بی گناهی بیاندازد و هر جنایتکاری را با تباری آزاد کند.

چه کم گناهان و بی گناهی که در طی سالیان سال بر اثر جنایات مخوف ماموران و متولیان آگاهی جان و مال و ناموس و هست و نیست خود را از دست داده و در گوشه های زندانها عمر و زندگی پوسانده اند و یا بر چوبه های دار تاب خورده اند بدون اینکه به حق در احوالات آنان نظری شده باشد.

سالها تخصص ماموران آگاهی در چوب و کابل و تسمه و باتوم و سیخ و میخ و دستبند و پابند و دست و پا شکستن خلاصه شده است.

سالهاست که قضات دستور تحقیقات فنی و تخصصی می دهند و مامورین آگاهی دست و پای مردم را می شکنند.

چه سازگاری بین کابل و شلاق و پوست تن انسان است " به خدا قسم که اگر نیمی از هر آنچه که آنان با متهمین بازداشتی می کنند با هریک از مامورین آگاهی بکنند زنا با مادر و دختر خود را اقرار و اعتراف و مکتوب می کنند و جای شک نیست که این قوم با اتکا بر مزدورصفتیشان و جیره خوار مطلق و کر و کور بودنشان هر جنایتی را برای ارباب مردم بدون در نظر گرفتن گناهکار و بی گناه انجام می دهند و این عامرین نقض حقوق بشر و حتی قوانین تدوینی خودشان که در کتابهای عریض و طویل نوشته شده است " قوانینی که فقط نوشته شده اند ولی هیچ وقت اجرا نمی شوند مانند:

قانون منع شکنجه برای گرفتن اقرار در قانون اساسی (اصل 38 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)

209 زندان اوین:



بند 209 اوین بازداشتگاهی نسبتاً سری در زندان اوین است. این بازداشتگاه از ساختمانهای ساخته شده در دوران قبل از انقلاب است. در پشت بهداری زندان اوین و جنب آشپزخانه و بند نسوان قرار دارد و از بازداشتگاههای آموزشگاه قابل رویت است. در روبروی آن قسمت ثانوی زندان اوین واقع شده است و انتهای آن به محدوده بند 350 امنیتی و کارگری ختم می شود.

این مجموعه ساختمانی 2 طبقه با آجرهای قرمز فشاری است که کانالهای پوشیده شده از پشم شیشه و فویل آلومینیومی آنرا از سایر ساختمانها مجزا می سازند. دارای 2 درب ورودی در قسمت جلو می باشد. درب کوچک که دارای آیفون و سیستم مدار بسته تصویری است قسمت ورود متهمین و درب دیگر احتمالاً محل ورود پرسنل اجرایی و عملیاتی در آن مجموعه است. هیچ شخصی به غیر از پرسنل و متهمین این بند امنیتی حتی عالیترین مقامات حق ورود به محدوده بازداشتگاه 209 را ندارند و فقط و با دستور متولیان رده بالای ناظر بر این بازداشتگاه حق دیدار را دارند که آنها در موارد بسیار استثنایی چنین اتفاقی می افتد.

قبل از ورود از همان جلوی درب که وارد سالن باریک بازداشتگاه 209 می شوید با چشم بند های طوسی رنگ چشم هایت را می بندند. وارد محیط می شوی سریعاً چند نفر به سراغ فرد بازداشتی می آیند و تمام لباسها و لوازم شخصی را از ریز و درشت به همراه پول تحویل می گیرند و مبلغ کمی از پول را در اختیار فرد می گذارند.

فرمهایی در اختیار فرد بازداشتی می گذارند تا تمام مشخصات خود را بنویسد در همین حین یک پیراهن و یک شلوار و یک بلوز دوخته شده از پارچه (اخیراً) سرمه ای رنگ راه راه را تحویل بازداشتی می دهند " به همراه یک عدد صابون و یک شامپوی کوچک و یک خمیر دندان و مسواک بسیار ارزان قیمت و یک حوله کوچک و یک حوله متوسط و بعد روی یک صندلی می نشانند و بنا به دستور کارشناسان امنیتی محل نگهداری در بازداشتگاه تعیین می شود البته قبل از ورود به سلول فرد را به صورت لخت مادرزاد معاینه می کنند و دارا بودن بیماری خاص و درد جسمی را می پرسند و آثار و علائم خاص بدن را یادداشت می کنند و اگر در مراحل دستگیری آثار ضرب و شتم زخم و کبودی وجود داشته باشد یادداشت و صورتجلسه می شود و بر روی تصویر یک فرد که بر روی کاغذ کپی شده محل صدمات را علامت می زنند و آخرین سوال این است که داروی خاصی مصرف میکردی و یا سیگاری هستی و یا اعتیاد داری؟

پس از اتمام همه این مراحل فرد بازداشتی به محل در نظر گرفته شده منتقل می شود. وضعیت فیزیکی محیط این چنین است که در راهرو ورودی در سمت چپ و راست اتاقهایی وجود دارد که درب اول سمت راست دفتر رئیس بازداشتگاه و درب روبروی آن اتاق مهمانها و اتاق بازجویی و اتاق کنفرانس و جنب آن اتاق کنترل دوربینها و اتاق استراق سمع که همیشه و در همه لحظه افرادی به طور شبانه روزی پشت این دستگاهها هستند و گفته ها و شنیده ها و حرکات بازداشتیها را در هر مکانی کنترل می کنند .

انتهای این سالن باریک که در قسمت هم کف است یک راه پله به طرف بالا و یک راه پله به طرف پایین و یک راهرو به سمت راست می رود که البته در فاصله این سه راهرو یک آسانسور وجود دارد که به طبقه پایین می رود. در این مجموعه به طور کلی کسی حق نداشتن چشم بند ندارد و به طور مطلق تمام بازداشتیها باید چشم بند داشته باشند و با مراقب جا به جا شوند. حرف زدن و یا سرو صدا کردن و با سلولهای دیگر تماس برقرار کردن به طور کلی ممنوع و باعث برخورد شدید می شود.

بهداری در طبقه بالا و مسیر سمت چپ راهرو قرار داشت که یک اتاق پزشک و یک تخت و مقداری تجهیزات پزشکی داشت و چون دقیقاً بازداشتگاه 209 در فاصله کمتر از 20 متری بهداری تقریباً مجهز زندان قرار داشت زیاد مسئله بهداری داخلی مهم نبود.

البته در مواقع بسیار اضطراری متهمین به بهداری زندان فقط در جهت معاینه و مسائل اورژانسی منتقل می شدند و سریعاً به محدوده 209 باز می گشتند. حتی برای مراجعه نکردن به خارج از بازداشتگاه برای جراحی و کشیدن دندان و یا مسائل مشابه که برای فک و دندان بازداشتیها رخ می داد یک اتاق مجهز به ادوات دندانپزشکی وجود داشت. یک پزشک عمومی رسمی وزارت اطلاعات

مسئول کنترل کل مسائل مربوط به امور افراد بازداشتی بود و چندین بهیار و پرستار در کنار او بودند.

هیچگونه محدودیت بودجه و دارو و امکانات و اعزام و مامور و نقل و انتقال و یا فشار روانی بر اثر کمبود نفرات در بین کارکنان بازداشتگاه 209 وجود نداشت. هیچ گونه نامی از ماموران برده نمی شد و چه بازداشتی و چه مامورین با شماره خاصی فراخوانده می شدند.

اکثر متولیان رسیدگی به امور بازداشتیهای وزارت اطلاعات که در 209 بودند افرادی دارای سنین بالای 55 سال بودند که حتی در بین آنها افراد نزدیک به 70 سال سن نیز دیده می شد که سالیان سال در اماکن خاص امنیتی مثل 209 خدمت کرده بودند و البته جالبترین مسئله این بود که کارکنان این بازداشتگاه نسبتهای فامیلی نزدیک با هم برقرار کرده بودند و برای خالی نبودن جایشان پسران بیست سال به بالای خود را در حال آموزش دادن وضعیت کارآموزی در کنارشان داشتند.

محل اقامت متهمین بازداشتی در 209 به 5 بخش تقسیم می شود.

انفرادی مطلق که یک اتاق کوچک با عرض تقریبی 1 متر و طول 2 متر است و هیچ گاه امکاناتی در آن قرار ندارد به جز 2 عدد پتو و موکت کف آن.

انفرادی دارای دستشویی و توالت فرنگی که در آن نیز موکت کف و 2 عدد پتو قرار دارد و عرض آن 1 متر و طول آن 2/5 متر است.

سوئیت تک نفره و 2 نفره که اتاقهای 5 متری و 6 متری است که با نظر کارشناسان و سرتیمهای بازجویی کننده امکانات داده می شود که البته در آن دستشویی و توالت وجود دارد و امکانات یخچال 7 فوت و تلویزیون طبق دستور داده می شود.

سوئیت های سوپر لوکس که برای اتباع خارجی و افراد فوق سرشناس و در دسر ساز امنیتی از نظر اصحاب رسانه ای و افکار عمومی جهان تدارک دیده شده و از امکانات یخچال و تلویزیون و دستشویی و حمام برخوردار است و افرادی چون کیان تاجبخش در آنجا نگهداری می شدند.

و در آخر قسمت بندهای عمومی که اتاقهای دارای ظرفیت 6 الی 16 نفر هستند که بنا به گفته ها 3 تا 4 بند عمومی در 209 وجود دارد و تعداد زیادی انفرادی در تمام طبقات که با دربهای میله ای در جلو محدوده ها مشخص می شوند.

هر قسمت و واحد دارای افراد خاص خود می باشند و می توان به راحتی گفت هر مجموعه انفرادی در طبقات دارای 3 مراقب 24 ساعته می باشد که البته این افراد به غیر از مسئولین و متولیان صاحب امر هستند که راسا نظارت می کنند و تقریباً در هر طبقه چیزی حدود 10 نفر مدام در سالن هستند که در صورت رخ داد خاصی در روز سریعاً به متولیان بازداشتگاه خبر می دهند و مطالبات و خواسته ها و نامه بازداشتیها را می رسانند و یا تقاضای پزشک و غیره را اعلام می کنند

و در صورت حادثه مسئله را به دفتر نماینده دادستان در 209 که اتاقش در کنار اتاق استراق سمع است ارجاع می دهند.

اکثر مامورین انفرادیها پیر مردهای پر حوصله هستند و درب انفرادیها را برای دستشویی باز می کنند. هر 3 روز یکبار استحمام آزاد است. بازداشتیهای مستقر در بندهای عمومی در هفته 3 جلسه به مدت نیم ساعت به حیاطی حدودا 100 متری که سقف آنرا میله و شیشه پوشانده منتقل می شوند که البته حیاط و محدوده آن و نفرات حاضر در آن از طریق دوربینهای فوق مدرن کنترل می شوند.

البته سقف شیشه ای حیاط متحرک و دارای متورهای برقی می باشد که به راحتی می توانند شیشه ها را کنار بزنند و آفتاب مستقیم بتابد و هوا در حیاط جریان پیدا کند.

به غیر از اتاقهای بازجویی که در طبقه بالا به تعداد 4 اتاق هستند اکثر اتاقهای بازجویی در قسمت همکف واقع شده است. در مواردی هم زمان شاید دهها نفر در حال بازجویی هستند که البته بازجوها از افراد لیسانس به بالا حداقل در موارد استخدای دهه گذشته انتخاب شده اند و دوره های خاص بازجویی را در کشورهای دارای کلاس یالای امنیتی سپری نموده اند. بازجوییهای سخت را هم که نیاز به دانستن زبانهای خارجی دارد در مورد اتباع خارجی بازداشتی انجام می دهند.

البته در این بین متهمین زن و فعال سیاسی و روزنامه نگار و خبرنگار و یا مدافع حقوق بشر و یا فعال حزبی و گروهی و فرقه ای نیز وجود دارند که آنها در یکی از بریدگی های خاص و محدوده های کم ترددتر بازداشتگاه نگهداری می شوند در ضمن در بین دهها انفرادی و سوئیت و بند عمومی اتاقهای خاص اسفنجی نیز وجود دارد که در آن به هیچ وجه فرد بازداشتی در صورت از دست دادن تعادل روانی نمی تواند به خود صدمه ای وارد کند و اکثر اوقات به عنوان اتاق بازجویی دارای عایق صدا مورد استفاده قرار می گیرد و در آنها به طور رسمی متهم بازداشتی را نگه نمی دارند.

اکثر بازداشت شدگان دادستانی ها و تیمهای عملیاتی وزارت اطلاعات در سراسر کشور را که در بازداشتگاه 209 به سر می برند نسل دوم و نسل سوم فعالان و بازداشتیها و زندانیان سیاسی پس از انقلاب 57 تشکیل می دهند که با توجه به میزان آگاهی و دسترسی این نسل از مبارزان و فعالان و دانشجویان سیاسی به رسانه های داخلی و خارجی و نهاد های حقوق بشری و افشاگری های قربانیان وقایع رخ داده در مورد بازداشتیهای نسل اول زندانیان سیاسی دست به دست هم داده که دیگر اصحاب اطلاعاتی و عملیاتی و دادستانی با در نظر گرفتن موقعیت و بهره زمانی کمتر بتوانند از قدرت سرکوبگرانه و زنده بگورانه در مورد متهمین و بازداشتیهای این چنینی بهره ببرند خصوصا اینکه با بازداشت سران وزارت اطلاعات در مقوله قتلهای زنجیره ای و مرگ خانم زهرا کاظمی دیگر

پشیمی به کلاهشان باقی نمانده مگر اینکه متهم و بازداشتی آنقدر بی کس و کار و بی صاحب و تنها باشد که عقده دلشان را سر او خالی کرده و یا بکشندش و یا اعدامش کنند. در فعل حال وضعیت سلولهای انفرادی مخصوصا طبقه بالا به این شرح است که از طریق شیشه پنجره بالای اتاق که در ارتفاع بسیار بالا قرار دارد نور به داخل سلولها می آید. می توان گفت واقعا در انفرادی باتوجه به وضعیت فیزیکی آن اقداماتی مانند: حلق آویز شدن و اقدام به خودکشی در میان بازداشتیها به صفر رسیده است چون هیچ آویز و امکانات و ابزاری وجود ندارد. در جلوی پنجره ای که نور از آن عبور می کرد یک نوع فنس توری ریز وجود دارد که درفاصله 20 سانتی متری از آن میله های عمودی محافظ و در فاصله 5 سانتی متری از آن شیشه پنجره که همه اینها در ارتفاع بالای 3 متر از سطح انفرادی است که البته در بعضی از انفرادی ها فرق می کند و در آنها فنسها و تورها باز شده و به جای آنها از ورقه های فلزی که از دهها نقطه سوراخ شده اند در سلولها استفاده گردیده که میزان ورود نور را به نصف می رساند.

تجهیزات مداربسته و استراق سمع در بعضی از سلولها و انفرادی ها و سوئیتها نصب است و می توان گفت در محدوده داخلی 209 تقریبا نقطه کور از دید دوربینها وجود ندارد و اگر چنین جایی باشد احتمال آن کمتر از 1 درصد است و اما اگر رخدادی دور از دید دوربینها در سلولها رخ دهد نه از جهت کارکشتگی بازداشتیهاست بلکه از این بابت است که در تمام مشاغل وقتی خیالها از مسائل آسوده شد هر قدر هم مهم باشند دستخوش راحت طلبی و فرمالیته کاری می شوند و 209 نیز از این قاعده مستثنی نیست.

مامورین بر مبنای سیاست تعریف شده روز که به آن دیکته می شود با متهمین بازداشتی برخورد می کنند اگر دستور داده شود فحش بده همانکار را می کنند و اگر دستور بدهند دایه مهربانتر از مادر باش باز همان کار را می کنند و برخوردهایشان هیچ ارتباطی به ذات و سلیقه شخصی ندارد. امروز در روزگار فعلی 209 دیروز نیست که افراد را بی نام و نشان بیاورند و بی نام و نشان سلاخی و معدوم کنند و سالیان سال در دخمه ها بپوسانند. امروز مسئولین نیز درک کرده اند که کوچکترین تغییری در موقعیت یک متهم بازداشتی در کمتر از چند دقیقه از طریق اصحاب رسانه و مراکز حقوق بشری کنترل و نشر و پیگیری می شود.

امروز دیگر روز اعدام کردن و زنده به گور کردن و تیرباران کردنهای مخفی و سلاخی کردن در سلولها نیست. امروز شاید دیروز افرادی مثل: کمالی ها و بهمن نادری پورها باشد و شاید روزهایی مجددا تکرار شود و آنروز روز سختی خواهد بود و چون آگاهی عوامل اطلاعاتی بیشتر از سایر مامورین در نهادهای نظامی و انتظامی و امنیتی است به خاطر همین کمتر این افراد خود را در تیررس اتهامات قرار می دهند و با اتکاء به اینکه نسل سوم مبارزین و فعالان سیاسی پرورش یافتگان چند دهه اخیر هستند و اکثرا بر اثر کاستیهای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی مخالف نظام

گردیده اند و به مانند نسل اول مبارزین چه دوران پهلوی و چه دوران اوایل انقلاب دارای ایدئولوژی محکم و تعریف شده نیستند و احتمال سست کردن اهداف و انگیزه های آنان آسان تر است با ایجاد فضای مصنوعی و محدود احیاء حقوق متهم بازداشتی سعی در انحراف افکار بازداشتیها در این بازداشتگاه را دارند تا تبدیل به پایگاه تبلیغاتی آنان در مورد نوع برخوردشان با متهمین باشد که صد البته چون تقریباً تنها بازداشتگاه امنیتی شناخته شده و در حد بین المللی در ایران این نهاد شناخته شده با انگیزه های فریبکارانه افراد را منحرف می کنند و از فرهنگ رفتاری خاص و ریاکارانه ای که تعریف شده است تبعیت می کنند مثل گفتن: "بله" بفرمایید "چه می خواهید" با چه کسی کار دارید "آیا گرسنه هستید" آیا بیمار هستید" و... می خواهند مبارزان و فعالان سیاسی ملتی را با تغذیه مطلوب بخرند و بفریبند و با دادن چلوهای مختلف و یا میوه دسر در شبانه روز و یا چند عدد مغز گردو و در بعضی از صبحها دادن حلیم برای صبحانه و یا اجازه دادن برای تماس تلفنی در هفته به مدت 5 الی 10 دقیقه و یا دادن امتیاز خرید که مسئول خرید مایحتاج با اخذ وجه از بازداشتیها می آورد. ولی یک چیز در این بین فراموش شده که شاید در یک مقطع زمانی کوتاه فردی بر اثر بعضی برخوردهای مطلوب "منشعب از امکانات خاص و نامحدود فریفته و متزلزل شود و در ماهیت خواسته و شعار خود شک کند ولی پر واضح است که با تغییر مکان و بازگشت به جامعه به راحتی متوجه می شود که این چنین عدالت مصنوعی آنها در بین چند اتاق و محدوده چهار دیواری چند صد متری در جامعه راه به جایی نمی برد و خواسته عموم جامعه نیست بلکه احیاء رافت و کرامت و شرافت انسانی و اجتماعی مختص تک تک افراد جامعه و فراگیر و همه گیر باید باشد بدون قصد و غرض و بدون محدودیت و یا در یک ماکن خاص.

در محدوده بازداشتگاه 209 زندان اوین افراد بسیاری از زبده ترین کارشناسان اطلاعاتی و عملیاتی و تحقیقاتی حضور دارند که با اختیارات و امکانات نامحدود عمل می کنند و برای به شک انداختن متهمین امنیتی و سیاسی و کاستن از گستره افکار و انگیزه های ضد حاکمیتی آنان فعالیت می کنند.

با نظارت و کنترل اجازه مکالمه تلفنی می دهند " اجازه دیدار و ملاقات با خانواده می دهند " کتابهای هدفمند در اختیار بازداشتیها می گذارند " آنان را به صورت ماهرانه در کنار متهمین خاص و یا نرم شده و یا متزلزل و یا حداقل هم راستا قرار می دهند. تحقیقات و کند و کاوهای ایدئولوژیک در مورد اهداف و تفکرات افراد می کنند و جلسات پی در پی در مورد بازداشتیها برگزار می کنند و با طراحی نوعی رفتار و برخورد خاص با خانواده ها اینطور القاء می کنند که آنان تافته ای جدا بافته از جامعه هستند در حالی که مبارزان و فعالان فرهیخته سیاسی خوب می دانند هرگز اینچنین نیست و این نمایش و تئاتری عوامفریبانه و ریاکارانه بیش نیست.

اکثریت مامورین 209 تلاش خود را میکنند که صورت آنها توسط متهمین بازداشتی دیده نشود. این افراد در راستای رفتار تعریف شده شان به متهمین سیگاری روزی چند نوبت سیگار می دهند. تمام غذاها و نوشیدنیها با لیوان و ظرفهای یک بار مصرف داده می شود. ساعات بازجویی و روزهای آن به هیچ عنوان مشخص نیست. اتاق عکاسی و خبرنگاری و تهیه عکس در طبقه بالا قرار دارد که در آن از مصاحبه ها و اقرارها و یا گفته های متهمین فیلم برداری می شود و یا در آن از چهره متهمین عکس تهیه می شود.

در این بین وضعیت افرادی که در بندهای عمومی 209 هستند از همه بهتر است که در این بندهای عمومی که مابین 12 الی 20 تخت وجود دارد و در آن متهمینی را نگه می دارند که از مراحل حساس و مهم بازجویی گذشته باشند و یا فشار روانی آنها را دچار مشکل کرده باشد و بازدهی مطلوبی در بازجویی ندارند که بعضی اوقات به طور موقت استراحت و در مواردی تا زمان انتقال از 209 به آنجا هدایت می شوند.

این بندها دارای سرویس دستشویی و توالت و حمام هستند و چند دوربین مداربسته مدرن اوضاع داخلی آنها کنترل می کنند و اما در بندهای عمومی هر کدام یک دستگاه تلویزیون و یخچال و سماور برقی دارند که البته قانون خاصی درمورد متهمین بندهای عمومی لحاظ می شود مثلا: اکثرا دسته ها و فعالان سیاسی گروهی بازداشت شده ای هستند مثل: اعضای القاعده و یا پژاک و پ. ک. ک . و مجاهدین خلق و یا انصارالاسلام و جندالله را که دسته های چند نفری هستند را کنار هم نگه نمی دارند که البته در این بین جاسوسان هیته ای نیز مستثنی نیستند.

اما در زمان انتقال از 209 به بازداشتگاه و یا زندان همه اموال پس داده می شود و باید برگه ای در مورد شرح وضعیت مدت بازداشت در 209 را پرکنی و در قسمتی در این برگه نوشته شده که پیشنهاد خود را در مورد وضعیت 209 بنویسید که کل این ماجراها القاعات مصنوعی دموکراسی و برخورد دموکراتیک است که چیزی جز نمایشی و فرمایشی و عوامفریبانه نیست که در مواقع مقبول و پیروز نیز در مورد عده ای واقع می شود.

بند 325 و 500 الف ویژه روحانیت مستقر در زندان اوین:



در محدوده محوطه زندان اوین دقیقاً در مجموعه چسبیده به اندرزگاه 1 و یا همان بند قرنطینه " 2 بند وجود دارد که به بند 325 و 500 الف معروف هستند که تحت اختیار و نظارت مطلق دادگاه ویژه روحانیت است و امور آن هیچ گونه ارتباط قضایی و اجرایی به سازمان زندانها ندارد و فقط از جهت سرکشی و رسیدگی به امور فنی ساختمان محل اقامت زندانیان روحانی تحت اختیار و نظارت سازمان زندانها و متولیان زندان اوین است.

بند 500 الف قسمتی از بازداشتگاه ویژه روحانیت است که در آن متهمین بازداشتی را نگه می دارند و دارای 2 اتاق است که حدوداً روی هم رفته 30 تخت دارد و در آن امکانات رفاهی مطلوبی وجود دارد مثل: یخچال و یخچال فریزر و تلویزیون و کولر و سرویسهای بهداشتی و همچنین تلفن نامحدود که البته این محل برای نگهداری روحانیون بازداشتی بلا تکلیف است.

بند 325 روحانیت که در دوره های نه چندان دور افرادی مثل: شهردار سابق تهران آقای غلامحسین کرباسچی و آقای نوری در آن بوده اند که دارای سالنی بزرگ است که در آن 18 اتاق وجود دارد که کل جمعیت این تشکیلات تحت نظارت دادگاه ویژه روحانیت فقط 13 نفر است که هر یک از متهمین بازداشتی و یا زندانیان ویژه روحانیت برای خود یک اتاق اختصاصی با تمام امکانات دارند که در زمان رفتن به مرخصی های طویل المدت با قفل در آنها را می بندند تا زمانی که بازگردند.

بنا به گفته روحانیون ساکن در این بندها آوردن و استعمال مواد مخدر به طور مطلق آزاد می باشد و در مواردی نیز از طریق مجاری چراغ سبزی " مواد مخدر به متهمین ویژه روحانیت که بیش از 70 درصدشان معتاد هستند ارائه می شود.

استفاده از تلفن در این بندها نامحدود است. همه ملاقاتها هر هفته حضوری است و ملاقات شرعی و خصوصی با همسران هفته ای یکبار است.

جیره قضایی خاصی با دستور و نظارت سرسختانه دادگاه ویژه روحانیت به روحانیون بند ویژه ارائه می شود.

آشپزخانه و چراغخانه برای پخت و پز وجود دارد ، سیستم گرمایش و سرمایش و تهویه مطبوعی در این بند وجود دارد .

بر خلاف حیاط 300 متری که برای 650 نفر در اندرزگاه 8 وجود دارد بند ویژه روحانیت از یک حیاط دارای زمین والیبال و یک حوضچه و یک باغچه زیبا و گل کاری شده به وسعت 800 متر فقط برای 13 نفر بهره می برد که آنگونه که معلوم است یک گوشه از این حیاط به یکی از بازداشتگاههای محرمانه حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی که در محدوده محوطه زندان اوین واقع است متصل است که البته محدوده حیاط ویژه روحانیت چشم اندازی به ساختمان و یا خانه تک طبقه خانمی به نام ربابه در حیاط اوین که محل نگهداری افراد بسیار خاص است دارد. به همراه مجموعه ای دایره ای شکل چند طبقه که شباهت به بازداشتگاه ضد خرابکاری توحید دارد که بنا به دانسته ها این مجموعه مشترکا بنا به ضرورت زمانی و نیاز در اختیار حفاظت اطلاعات قوه قضاییه و وزارت اطلاعات یا همان بند 209 و حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی می باشد که البته مسئله بنای تک طبقه معروف به ساختمان رباب که دارای امکانات مستقل و تکمیل یک خانه کوچک است فقط در اختیار وزارت اطلاعات و مراجع عالیرتبه ناظر بر آن نهاد است که البته قسمتی از محدوده آن متصل به مجموعه بازداشتگاه ویژه روحانیت است و احتمالا افراد بسیار خاص و فوق محرمانه و مهم در آن نگهداری می شوند و آخرین قسمت ساختمان بازداشتگاه ویژه روحانیت نیز به بازداشتگاه 2 الف تحت اختیار حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران متصل است که بازداشتیهای امنیتی بازداشت شده از طریق سپاه پاسداران در آن نگهداری می شوند.

بازداشتگاه 2 الف اطلاعات سپاه پاسداران



بازداشتگاه محرمانه 2 الف که تحت اختیار اطلاعات سپاه می باشد در محوطه زندان اوین جنب بند ویژه روحانیت و پشت اندرزگاه 1 یا همان قرنطینه قرار دارد.

این بازداشتگاه هم اکنون 2 طبقه است 1 طبقه هم کف و 1 طبقه زیر زمین که البته هر از گاهی مورد استفاده مشترک با وزارت اطلاعات یا همان بند 209 قرار می گیرد و البته بنا به شرایط خاص کشور فی الحال در حال توسعه و افزایش اتاقها و طبقات آن هستند تا در مواقع اضطراری پیش رو بتوان از آن استفاده کرد. برخلاف بند 209 که به طور علنی از شکنجه استفاده نمی گردد و حدودا در راستای رسیدن به اهداف امنیتی خاص در سطح داخلی و خارجی رفتار و امکانات مطلوبی را در آن هر چند ریاکارانه برای متهمین بازداشتی تعریف کرده اند ولی در بازداشتگاه 2 الف سپاه دقیقا قضا یا برعکس است.

در بند 2 الف که تمام مامورین مراقب آن 2 عضویتی هستند و هم در سپاه پاسداران و هم تحت اختیار وزارت اطلاعات هستند و در یک مثلث گردش مابین بازداشتگاه 209 و 2 الف و بازداشتگاه امنیتی رجایی شهر و 66 سپاه و 59 سپاه در حالت گردش و خدمت هستند. در هریک از این بازداشتگاهها با نوع تعریفی که در اختیارشان قرار می دهند تغییر ماهیت رفتاری می دهند.

همان ماموری که شاید در 209 بنا به تعریف خاصی محترمانه برخورد می کند شاید در بند 2 الف جز بد دهنترین و شرورترین و شکنجه گر ترین مامورین باشد و یا در بازداشتگاه دیگری رفتاری مغایر 2 رفتار سابق دارد.

ولی در کل رفتار مامورین در بازداشتگاه 2 الف خشن تعریف شده که مامورین در تمام لحظات حضور در بازداشتگاه با باتومهای دارای شوک الکتریکی و شوکرهای کوچک تردد می کنند.

در هیچ لحظه ای متهم در بند 2 الف بدون چشم بند نیست. از درب اصلی که در نقطه آخر راه کناری بند قرنطینه و ویژه روحانیت است تا رسیدن به درب اصلی بازداشتگاه " 3 درب فاصله دارد.

پس از درب سوم و گذشتن از مقابل دفتر پرسنل و تحویل وسایل و پوشیدن لباس مخصوص بازداشتگاه متهم وارد دالانی می شود که رودرروی آن 4 راهروی باریک وجود دارد که در هر طرف این راهروها بعضا 4 و یا 5 سلول انفرادی وجود دارد و 2 اتاق عمومی نیز وجود دارد که یکی 6 تخته و دیگری 9 تخته است.

غذای 2 الف برعکس 209 که مجزا تهیه می شود و یا ویژه روحانیت که سفارشی طبخ و سرو می شود همان غذای زندان است با کیفیت و کمیت کمتر و بدتر.

متهمین بازداشتگاه 2 الف مرتکبین جرائم امنیتی و سیاسی در سپاه پاسداران می باشند به همراه هم جرمشان که فرقی نمی کند از چه قشری باشد. تماس تلفنی هر 10 روز آنهم با دستور کارشناس پرونده و در حضور بازجو انجام می شود.

زندانیان و بازداشتیهای 2 الف نیز مثل اکثر بازداشتیهای امنیتی ماهیتا وجود خارجی ندارند و در بخش رایانه ثبت نمی شوند و وجودشان در بازداشتگاه رسماً اعلام نمی گردد.

در این بازداشتگاه به طور مطلق چیزی به نام هوا خوری وجود ندارد و ملاقات به طور رسمی و حقیقی وجود ندارد. استحمام در هفته 2 بار امکان دارد که حمام یک اتاق است و در آن میله دوش نصب شده است.

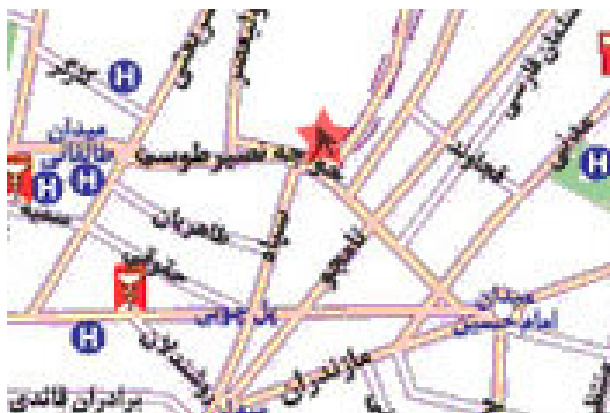
طبقه زیرین بند 2 الف اکثراً اتاق بازجویی و انفرادی است از بهداری و بخش درمان در آن خبری نیست در صورت بروز شرایط اضطراری و مصدومیت وخیم متهم " آنرا در ابتدا به بهداری و اورژانس زندان اوین و سپس به بیمارستان بقیه الله انتقال می دهند.

ضرب و شتم و شکنجه و استفاده از شوک جز عادی ترین اعمال در بند 2 الف محسوب می شود. انفرادیهای با ابعاد کوچکتر از 209 در بند 2 الف وجود دارد که فاقد نور و کف پوش و پنجره است و فقط از فضای شیارهای درب " هوا تردد می کند و نور دیده می شود.

اتاق شکنجه بسیار مدرن و مجهزی در قسمت زیرین بند 2 الف وجود دارد که در آن حتی اعدام و تیرباران سوری نیز انجام می شود.

رئیس و سرپرست فعلی این بازداشتگاه در حال حاضر آقای آشوری می باشد.

بازداشتگاه 59 سپاه پاسداران



بازداشتگاه مخوف 59 سپاه در زیرزمینهای پادگان عشرت آباد واقع شده است که این بازداشتگاه آنقدر مخوف و فاقد امکانات و قرنطینه شده است که فقط افراد شاغل و دارای اختیارات و مداج عالیرتبه در امور آن دخالت کرده و اجازه بازدید از آنجا را دارند که در موردی خاص حتی رئیس دادگستری کل استان تهران آقای علیزاده در سال 84 آنرا در لیست بازداشتگاههای امنیتی فوق سری قرار داد که حتی به خود او اجازه بازدید از این بازداشتگاه را نداده بودند.

این بازداشتگاه تحت اختیار حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران اداره می شود و تمام جرائم خاص رخ داده از جمله اتهامات امنیتی و جاسوسی واقع شده در سپاه پاسداران در آن رسیدگی و تکمیل پرونده می شود.

امکانات ملاقات به صورت تعریف شده و آئین نامه ای برای متهمین بازداشتی وجود ندارد. تمام اتاقهای نگهداری متهمین در زیر زمین قرار دارد. دارای اتاقهای انفرادی متعدد و چند اتاق عمومی زیر 10 نفر است.

از بهداشت و غذا و نور کافی و مطلوب خبری نیست. از امتیاز تماس تلفنی نیز خبری نیست مگر در حضور بازجو و کارشناس پرونده و با اجازه آنها. این بازداشتگاه به مانند سایر بازداشتگاههای امنیتی با سیستم تعریف شده خود با متهمین برخورد می کند که برخورد شدید و خشن و عدم مراعات حقوق انسانی و نگه داشتن در بی خبری مطلق یکی از کوچکترین نوع برخوردها است. در این مجموعه که البته با امکانات ویژه ای که در بخش بازجویی و شکنجه و انفرادیهای خاص دارد گنجایش حدود 300 نفر را داراست.

می توان گفت بازداشتگاه 59 سپاه یکی از معتبرترین و سری ترین و مهمترین بازداشتگاههای جرائم امنیتی و جاسوسی سرتاسر کشور است که حتی در مواردی بازداشتیهای آن تا مدتها بدون

کوچکترین افشای اطلاعاتی در آن نگهداری و شکنجه و بازجویی و یا حتی معدوم می شوند که همه این اعمال تحت نظارت مستقیم نهاد اطلاعات سپاه پاسداران ساماندهی و انجام می شود. در این بازداشتگاه نیز اعلام آمار رسمی افراد و اسامی آنان مرسوم نیست و همه چیز و همه کس از متهم تا مامور بازداشتگاه با شماره گذاری فراخوانده می شوند و همه جام همه لحظه متهم با چشم بند تردد می کند و مطلقا تا زمان آزادی و یا انتقال کسی را نمی بیند و کسی هم جز بازجو و بازرسین بازداشتگاه به سراغش نمی آیند.

بازداشتگاه نبوت:



بازداشتگاه نبوت واقع در خیابان سهروردی می باشد و اداره آن مشترکا در اختیار وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران است که بر خلاف اکثر بازداشتگاههای امنیتی که در زیر زمینها واقع شده اند این بازداشتگاه با دارا بودن راه ارتباطی مستقل و بدون مزاحمت در بالای یک مجتمع تجاری و به حالت استتار شده ای قرار دارد که حالت یک خانه امن و بازداشتگاه فوق سری را دارد که دارای گنجایش بسیار کمی می باشد و بازداشتیهای خاص له آنجا منتقل می شوند که بنا به شرایط جاز نیست به مکانهای معلوم و شناخته شده منتقل شوند.

می توان گفت علی رغم نظارت وزارت اطلاعات بر این بازداشتگاه ولی عمومیت نیروهای عملیاتی و اجرایی و بازجویی را نیروهای حفاظت و اطلاعات سپاه پاسداران انجام می دهند. البته از این مکان به عنوان بازداشتگاه و مکان امن موقت برای برخی بازجوییها و بازداشتها و یا نقطه کور در بین بازداشتگاه از نظر رخنه و نشت اطلاعاتی محسوب می شود.

کل چنین مجموعه کوچکی از چند انفرادی و یک اتاق بازجویی تجاوز نمی کند و افرادی در حد انگشت شمار در آن نگهداری می شوند که پس از تحقیقات و بازجوییهای محرمانه به مراکز امن اصلی در بازداشتگاه های بزرگتر منتقل می شوند.

در این مکان از ثبت رایانه ای و نقل و انتقال اطلاعات در مورد شخص بازداشتی و ملاقات و یا ارجاع به مرجع قضایی خبری نیست و اکثر متهمین آنرا متهمین جرائم امنیتی و سیاسی سپاه پاسداران تشکیل می دهند.

بازداشتگاه عشرت آباد 2 اداره مبارزه با مواد مخدر:



این بازداشتگاه نیز در داخل قرارگاه مبارزه با مواد مخدر عشرت آباد واقع شده که گنجایش آن چیزی حدود 250 الی 350 نفر است.

دارای 3 سالن می باشد که در هر سالن 15 عدد انفرادی به ابعاد $2 \times 1/5$ متر وجود دارد که در هر انفرادی به زور 5 نفر نگهداری می شوند.

متهمین بازداشتی ریز و درشت مرتبط با مواد مخدر سرتاسر تهران را به این بازداشتگاه منتقل می نمایند. در قسمت درب ورودی تمام وسایل افراد را تحویل و در کیسه های انفرادی برزنتی قرار می دهند. متهمین برای اینکه بتوانند پول خرج کنند اجازه بردن تمام پول خود را به بازداشتگاه دارند.

میانگین مدت اقامت افراد تا زمان انتقال به دادگاه و یا زندان 3 الی 7 روز است البته در موارد خاصی متهمین جرم سنگین و قدرتمند را برای شناسایی رابطینشان و تحت شکنجه و بازجویی قرار دادن ماهها نیز می توانند نگه دارند. بازداشتگاه و تشکیلات عشرت آباد زیر نظر اداره مبارزه با مواد مخدر نیروی انتظامی است که یکی از مشهورترین مکانها برای بازجوییهای فنی از متهمین مواد

مخدر است. شدت عمل و ضرب و شتم در مورد اینگونه متهمین که با مواد مخدر سر و کار دارند در اکثر نهادهای انتظامی بسیار ضعیف و به ندرت است و اکثرا با آنها برخورد فیزیکی خاص و بسیار شدیدی مثل اداره آگاهی و اطلاعات انجام نمی شود ولی بازداشتگاه مرکزی مواد مخدر عشرت آباد تنها جاییست که تا مرحله شکستن دست و پا و فک و دنده های متهمین پیش می روند و مجاز به بهره مندی از اجازه همه نوع شکنجه تا سر حد مرگ آنها در مورد متهمین مواد مخدری است.

از بهداشت و ملحفه و غذا برای بازداشتیها خبری نیست مگر پس مانده ها و ضایعات غذای سربازان و کارکنان اداره مبارزه با مواد مخدر که به صورت فله ای و بدون طبیعت از قانون خاصی پخش و توزیع می شود.

مقوله استحمام کردن و حمام به طور مطلق در این بازداشتگاه وجود ندارد حتی اگر فرد بازداشتی ماهها در آنجا باشد و گال بگیرد و یا شپش از سر و کول آن بالا برود. در انفرادیها چیزی به نام نور و پنجره و تهویه وجود ندارد.

در روز فقط 3 بار اجازه استفاده از دستشویی وجود دارد و درها همیشه بسته است و بازداشتیها به صورت کتابی کنار هم می خوابند.

سالهاست که شستن و تعویض موکت و پتوهای سلولها به فراموشی سپرده شده و اکثرا به استفراغ معتادان و ادرار و مدفوع آنانی که خود را نمی توانند نگه دارند آلوده است. سربازان هر نخ سیگار را به بازداشتیها ما بین 5 الی 10 هزار تومان می فروشند. از بهداری و دارو و امکانات پزشکی خبر نیست مگر اینکه فرد در حال مرگ باشد که این واقعه در بازداشتگاه مواد مخدر بسیار رخ می دهد که فرد بر اثر تشنجهای پی در پی و عدم رسیدگی و اعزام به بیمارستان دچار ایست قلبی و مرگ می شود که در نهایت با صورت جلسه های ساختگی و نبود شاهد در امر عدم رسیدگی به موفع به وضعیت متهم و بازداشتی متوفی " پرونده بی سرو صدا به نفع متولیان بازداشتگاه و اداره مبارزه با مواد مخدر بسته می شود.

البته در مواردی نیز پرونده بازداشتی فوت شده ای را که بر اثر ضرب و شتم و خفگی در زیر دست و پای مامورین بازجویی جان داده با پرونده سازی عدم رسیدن مواد مخدر و یا سنگ کوب و ایست قلبی با صورت جلسه های ساختگی بدون هیچگونه اعتراضی می بندند و دستهای پنهانهمیشه حامی جنایات آشکار و پنهان آنهاست که این حمایتها ضد انسانی و ناقض حقوق بشر چنان اختیاراتی به متولیان بازداشتگاهها می دهد که هر آنچه می خواهند با شهروندان در دخمه ها انجام دهند و صدای کسی به جایی نرسد که یکی از این مجموعه ها بازداشتگاه تحت اختیار نیروی انتظامی " اداره و بازداشتگاه مبارزه با مواد مخدر عشرت آباد است.

شاید به راحتی بتوان گفت که هیچ مرجع انتظامی و نظامی و امنیتی به اندازه اداره مبارزه با مواد مخدر با قشر دختران و زنان بازداشتی سروکار نداشته باشد که بنا به گفته ها و شنیده ها مدعیات

مامورین و شاهدین مرتبط با این بازداشتگاه همه گونه اذیت و آزار و تعرض و نقض حقوق شهروندی و برخورد ناشایست و تحقیر آمیز توأم با سوء استفاده از این زنان و دختران بازداشتی در حریم بازداشتگاه انجام می شود که البته در موارد نادر زنان و دخترانی که به آنان تجاوز نمی شود باید گفت نوع برخورد و تفتیشها و بازجوئیهای پشت دربهای بسته از طریق مامورین مرد و ضرب و شتم آنها از جهت اخذ اقرار و اعتراف در مورد اتهاماتشان و یا اتهامات مردان منتسب به آنان مثل پدر و برادر و یا همسر دست کمی از تجاوز و تعرض و اذیت و آزار در پرتو قانون ندارد و مامورین بازداشتگاه عشرت آباد چون یقین دارند که قشر متهمین بازداشتی در این مجموعه آنقدر آسیب پذیر هستند که کسی به فریاد آنها نمی رسند پس در مورد چه متهم زن و چه متهم مرد هر آنچه که ناقض حقوق بشر و ضد انسانی است را در مورد آنها بدون ترس و وا همه اعمال می کنند خصوصا پرونده سازی و تجاوز به نوامیس بازداشتی مردم در سلولها که اکثرا دسته جمعی اتفاق می افتد و خیلی ها در جریان هستند و پای ثابت این تجاوزات اند و اجازه افشاء و برخورد با آنها نمی دهند و از عاملین این جنایتها و تجاوزات به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم حمایت می کنند.

بازداشتگاه سئول معروف به ابوغریب :



این بازداشتگاه در تهران مابین افرادی که در آن نگهداری شده اند و به زندانها منتقل و یا آزاد شده اند به بازداشتگاه ابوغریب معروف شده و تحت اختیار حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی اداره می شود و در خیابان سئول و داخل شهرک مسکونی فاطمیه واقع شده که لابه لای واحدهای مسکونی

گم و استتار گردیده که چند بلوک و زیر زمین از این مجتمع مسکونی به عنوان بازداشتگاه در اختیار آنهاست.

در این بازداشتگاه اکثراً جرائم خاص واقع شده در بین نیروهای انتظامی را رسیدگی می کنند و متهمین را در جهت تکمیل پرونده و بازجویی و اعمال شکنجه های خاص در آن نگهداری می کنند که البته به غیر از مجموع متهمین نیروی انتظامی در طی عملیات ارتقاء امنیت اجتماعی تعدادی از متهمین این عملیات را برای دست و پا شکستن و شکنجه دادن و اقرار گرفتن به این بازداشتگاه انتقال دادند که اکثر آنها را در کمتر از 1 هفته از آنجا به کمپ کهریزک انتقال نمودند.

تمام سلولهای این بازداشتگاه بدون استثناء انفرادی می باشد و فنی ترین و وحشتناکترین بازجوئیها چه از متهمین نظامی نیروی انتظامی و یا افراد خاص بازداشتی در آن توسط حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی تا حد دست و پا خورد کردن و مرگ انجام می شود.

همانگونه که اکثر نهادهای نظامی بازداشتگاههای خاص و مخفی خود را برای اعمال شکنجه دارند و در آنها هیچگونه محدودیتی در نوع برخورد با متهمین بازداشتی نیست این بازداشتگاه نیز مرکز جولان نیروهای حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی است که در آن نه متهم بازداشتی ماهیتا ثبت و درج و بعهده گیری می شود و نه کسی در مورد جان و مال و خانواده و نقض حقوق و حقوق آنان نگران است و تنها نگرانی در بازداشتگاه ابوغریب این است که کارشناسان و بازجوها نتوانند هر آنچه که می خواهند به عنوان سند و مدرک و اقرار صریح از متهم تحت بازداشت بگیرند و اینکه نتوانسته باشند متهم بازداشتی را به حد اعلا شکنجه نمایند و تخم رعب و وحشت در دل آن بکارند.

بازداشتگاه 66 سپاه پاسداران :



این بازداشتگاه خاص متعلق به سپاه پاسداران که به 66 سپاه معروف است در اتوبان افسریه محدوده بلوار هجرت پشت پادگان علامه طباطبائی قرار دارد که دارای سلولهای انفرادی متعدد و حتی بند عمومی است و در آن متهمین مختص سپاه پاسداران که مرتکب جرم شده اند و یا متهم هستند را نگهداری می کنند.

این بازداشتگاه دارای اکیپهای عملیاتی زده و کارآمدی در جهت پیگیری اتهامات و جرائم امنیتی در بین نیروهای سپاه است که بازجوها و کارشناسان آن با اختیارات نامحدود در مورد متهمین بازداشتی عمل می کنند و از نظر فیزیکی و نوع رفتار و نوع متهمین و وضعیت ویژه ای بر این بازداشتگاه حاکم است و فشارها و تهدیدات کمتری نسبت به بازداشتیها اعمال می شود و نوعی بازداشتگاه در جهت ایجاد سازش و بهره برداری و بازیافت در مورد متهمین را دارد که نه کشتن متهمین آن جایز است و نه دور انداختنشان پس در این بازداشتگاه کارهای تخصصی در امور بازجویی و نوع برخورد با متهمین انجام می شود و بنا به دانسته ها امکانات محدودی و در حد کیفیتی کمی کمتر از زندان در آن در نظر گرفته شده و تا حدودی با نظر موافق کارشناسان و بازجوها متهمین می توانند با نظارت کامل از تلفن و ملاقات بهره مند باشند و گویا تعدادی از متهمین قتلهای زنجیره ای که احتمال سوءقصد به جانشان را در سایر زندانها و بازداشتگاهها می دادند بی سرو صدا در این بازداشتگاه نگهداری می شوند. گنجایش این مجموعه کمتر از 150 نفر است که البته به مانند تمام بازداشتگاههای خاص که در حال توسعه هستند این بازداشتگاه نیز در حال توسعه و افزودن به ظرفیت و امکانات خود است. از مقوله شکنجه و بر خوردهای غیر فنی با توجه به نوع متهمین در این بازداشتگاه کمتر استفاده می شود.

بازداشتگاه قمر وزارت اطلاعات:



این بازداشتگاه که در خیابان دبستان محدوده بین رسالت و سید خندان واقع شده است و نزدیک وزارت دفاع و در کوچه پشتی بیمارستان قمر بنی هاشم که تحت مدیریت وزارت اطلاعات قرار دارد و اداره می شود. از این بازداشتگاه توسط درب کوچکی که در انتهای کوچه واقع شده است استفاده می شود که هیچ نام و نشانی بر روی آن حک نشده است.

این بازداشتگاه 2 طبقه می باشد و دارای حیاط و 4 اتاق مصاحبه و بازجویی و 8 سلول انفرادی که 6 سلول در طبقه بالا و 2 سلول در طبقه هم کف می باشد که تمام سلولها در طبقه بالا و پائین به گونه ای طراحی شده که همه دور یک محیط دایره ای قرار گرفته اند.

این مکان برای بازجوییها و تحقیقات مقدماتی کارشناسان و بازجوهای وزارت اطلاعات به دور از تنش و در تیر رس قرار گرفتن است که اکثرا پرونده های خاص فعالان و مبارزان سیاسی را به همراه متهمانش رسیدگی می کنند و اکثرا افراد منتقل شده به این بازداشتگاه مدت زمان زیادی را در آن سپری نمی کنند و از امکانات محدودی نسبت به بازداشتگاههای رسمی برخوردارند و همان قوانین هفته ای 1 الی 2 بار استحمام و 3 تا 5 نوبت استفاده از دستشویی پیروی می کنند و متهمین در آن ثبت و یا اعلام بعهدہ گیری نمی شوند و با فضای خارج ارتباط متهمین قطع است و تمام مراحل تحقیقات و بازجویی با چشم بند سپری می شود و اعطاء هر امتیازی به غیر از ملاقات که شدیداً بهره مندی از آن ناممکن است در اختیار کارشناس پرونده می باشد که تمام خواسته های متهم در قبال نوع عملکرد و بازجویی ها تعیین و اجابت می شود که در این بین به هیچ عنوان

آدرس محل نگهداری متهمین بازداشتگاه قمر در اختیار خانواده ها قرار نمی گیرد و حتی اگر اطلاعاتی در مورد نگهداری و یا بازداشت فرد توسط مامورین وزارت اطلاعات به بستگان بازداشتی ارائه شود اما محل بازداشتگاههایی مثل قمر در اختیار هیچ کس قرار نمی گیرد.

مخوفترین و امنیتی ترین بازداشتگاه امنیتی ایران



بازداشتگاه 336 ساحفاجا که تحت نظارت مدیریت اصطلاحاً اطلاعات رهبری مدیریت می شود از امکانات و حریم خارق العاده ای برخوردار است و در انتهای خیابان فاطمی یکی از کوچه های روبروی بیمارستان امام خمینی و پشت ساختمان اصلی دژبان مرکز در داخل پادگان دژبان واقع شده است.

این بازداشتگاه شامل 6 ساختمان 3 طبقه که هر کدام دارای حیاط مستقل می باشند است. در هر طبقه 26 انفرادی وجود دارد که در مجموع در هر یک از این ساختمانهای ششگانه بازداشتگاه 78 انفرادی وجود دارد. در هر یک از این ساختمانها که واحد نام دارد یک بند عمومی وجود دارد و مجموعه بازداشتگاه 6 بند عمومی دارد. در یک مجموعه مستقل در بازداشتگاه 34 اتاق بازجویی در 2 طبقه وجود دارد. 17 اتاق در بالا و 17 اتاق در پائین. 3 اتاق شکنجه مجهز وجود دارد که در آنها بنا به مدارج شکنجه اعمال شونده تجهیزات وجود دارد. اتاق شکنجه های ابتدائی تا اتاق شکنجه های مدرن و حرفه ای و الکترونیکی و حتی در مجموعه اتاقهای شکنجه چند سلول با نام سیاه چال نیز وجود دارد که در اتاق شکنجه های ابتدائی اکثراً شکنجه های

فیزیکی و ابتدائی در حد همان فلک کردن و کابل و تسمه زدن و از پشت دستبند زدن و آویختن استفاده می شود ولی در اتاق شکنجه مدرن تمام تجهیزات مدرن شکنجه در سطح دنیا توسط مامورین دوره دیده شکنجه گری استفاده می شود و می توان گفت حرفه ای ترین افراد متخصص در امور شکنجه در بازداشتگاه 336 وجود دارند.

در اتاقهای شکنجه از انواع و اقسام تجهیزات شکنجه مثل شوکهای الکتریکی و پرتاب کننده یون مثبت و منفی به طرف متهم تا شلاق زنها و ماتوم زندهای قابل تنظیم که شدت ضربات و تعداد ضربات در آنها مشخص است و همچنین تجهیزات دیگری که در حین شکنجه می توان با آنان وضعیت فرد تحت شکنجه را مورد ارزیابی قرار داد.

در این بازداشتگاه اکثراً متهمین امنیتی و سیاسی و جاسوسی و نظامی را که خصوصاً مرتبط به ارتش باشند نگهداری می نمایند. البته بنا به اهمیت این بازداشتگاه و نظارت کامل سران حکومتی بر آن این بازداشتگاه نقطه آخر تمام بازداشتگاههای مرتبط به امنیت ملی است و در مواردی حتی افراد صاحب منصب لشکری و کشوری و امنیتی را که سایر مراکز امنیتی و نظامی و انتظامی قادر به بازجویی و نگهداری آنها نیستند و باید تحت قرنطینه اطلاعاتی بازداشت و یا نگهداری شوند به بازداشتگاه 336 منتقل می نمایند.

در این بازداشتگاه مدت زمانی خاص در جهت نگهداری افراد تعریف و تفسیر نمی شود. تمام امکانات نگهداری متهمین در تمام وضعیتها چه طولانی و چه کوتاه مدت وجود دارد.

حتی اگر در این بین بر اثر مدت زمان طولانی و یا فشارهای روانی فرد تحت بازداشت و بازجویی دیوانه شود که باز این مسئله باعث انتقال فرد بازداشتی به مرکز روانی و درمانی نمی شود و این مورد خاص را نیز با در نظر گرفتن وجود سالن دیوانگان حل نموده اند و افرادی در دیوانه خانه بازداشتگاه 336 هستند که سالیان سال بدون هیچگونه تغییر ماهیتی در وضعیت پرونده شان نگهداری می شوند حتی اگر تا پایان عمرشان طول بکشد و قانون مصونیت دیوانه از مجازات در این بازداشتگاه و در مورد دیوانگانه آن صدق نمی کند. البته اکثر این دیوانه شدنها و از دست دادن مشاعر در بین بازداشتیهای بازداشتگاه 336 بر اثر بازجوییهای سنگین و پی در پی است که آخراً به دیوانگی و جنون متهم می انجامد. حتی علیرغم دیوانه شدن متهمین حق ملاقات و دیدار خانواده های آنان را نیز تحت این شرایط نمی دهند و در تنها نقطه ای که با دستور متولیان بازداشتگاه و کارشناسان پرونده ملاقات انجام می شود در حضور مامورین در دادسرای نظامی است.

در بازداشتگاه 336 همه نوع سلول و انفرادی و عمومی و سوئیت وجود دارد. سلولهای انفرادی از سلول 40 سانتی متری که متهم در آن سرپا نگهداری می شود شروع شده تا انفرادی 3*4 که هر کدام از این نوع انفرادی برای افراد و مراحل خاص بازجویی تعریف و تعیین شده و بسته به موضوعیت پرونده و همکاری و یا مقاومت متهم دارد.

شاید بتوان گفت این بازداشتگاه خاص در سراسر ایران تنها بازداشتگاهی است که غذای تک تک افراد و وعده غذای آنها تعریف شده است و دلیلی ندارد که تمام متهمین از یک منو غذای تهیه کنند و بازجوها و کارشناسان فوق متخصص و دوره دیده تعیین می کنند که فرد چگونه تغذیه می شود از برخورداری از تغذیه بسیار ضعیف و فقیرانه در حد فقط زنده ماندن تا مطلوبترین نوع غذا که البته در مواردی اعتصاب غذا و یا آب یک طرفه نیز در مورد متهمین اعمال می شود و جیره بازداشتی را مدت محدودی آنها با نظر فنی کارشناسان بازجوئی قطع می کنند.

هرازگاهی عمداً بازداشتی را برای در هم شکستن بدون چشم بند از محوطه اعدام که در آن بر روی یک میله افقی چندین طناب آماده برای اجرای اعدام وجود دارند می گذرانند و یا با چشمهای بسته از میدان اجرای تیرباران سوری می گذرانند و یا حتی در مواردی خود متهم را برای زجر کش کردن به طور سوری اعدام و یا تیر باران می کنند.

البته همه این نوع شکنجه ها به غیر از استفاده از انواع داروها و مواد شیمیایی در مراحل اخذ بازجوئی توسط بازجوهاست که در این نوع بازجوئیه با استفاده از داروهای خاصی شخص را وادار به اقرار و تسلیم شدن در برابر خواسته بازجوها مبنی بر همکاری می کنند که البته در مواردی از داروهای روانکاو و در مواردی دیگر از داروهای خواب آور استفاده می کنند و بر خلاف تاثیرات دارو اجازه خواب به او نمی دهند و برای فشار هر چه بیشتر گاهی اوقات تا روزهای متمادی در همین وضعیت شخص را نگاه می دارند و فرد تحت بازجویی تا مرحله مرگ و اغما پیش می رود که البته لحظه به لحظه این نوع بازجوئی تحت کنترل بازجوهایی فوق حرفه ای ثبت و ضبط و کنترل می شود و قبل از پاره شدن رشته حیات متهم هر از گاهی در وضعیت بیهوشی و یا نیمه بیهوشی اجازه تجدید قوا برای ادامه شکنجه و بازجویی به متهم می دهند.

در مورد متهمین مقاوم در برابر خواسته های بازجوها حتی هفته ها رخ می دهد که فرد تحت بازجویی را که طبق قوانین بازداشتگاه 336 فقط شبها بازجویی می کنند علیرغم قوانین جاری بازداشتگاه مبنی بر بازجویی در شب در روز هم با تعویض مامورین به طور مداوم و شبانه روزی تا مرحله در هم شکستن متهم و اخذ اطلاعات کار را پیش می برند که البته استفاده از تمام گزینه ها بدون تردید در دستور کار بازجوها وجود دارد حتی اگر شکستن و خرد کردن مرحله به مرحله دستها و پاها و انگشتان و زانو و دنده ها و فک و کتف و لگن متهم باشد و یا تزریق پی در پی زیر پوستی و یا عضلانی آب مقطر به نقاط مختلف بدن مثل کف پا و عضلات پهلوها و مچ دست و یا لته ها که اگر کفاف نداد مواد شیمیایی خاصی را جایگزین آن می کنند و با تزریق آن و درد حاصله فرد را تا مرحله مرگ و یا اقرار پیش می برند.

بازداشتگاه 336 ساحفاجا تنها بازداشتگاهی است که بر اثر نظارت افراد رده بالا و خاص در امور آن مامورین اجازه دارند که برای هرچه سریعتر رسیدن به نتیجه در تحقیقات و بازجوئیه از خانواده

متهمین بازداشتی بهره برداری احساسی نمایند. که در این موارد تمام و یا عده ای از اعضای خانواده متهم را که بیشتر از همه در مورد آنان حساسیت دارد و یا دلبستگی دارد می آورند و جو شکنجه و رعب و وحشت و تهدید برای خانواده اش ایجاد می کنند و متهم را تا مرحله ای پیش می برند که بر اثر اینگونه فشارها خرد شود و تخلیه کامل اطلاعاتی گردد و در این بین بازداشت غیر قانونی همسر و دختر و مادر و خواهر و یا برادر و پدر و دوست و آشنا فرقی نمی کند بلکه مهم این است که از این راه " بازجوئی به نتیجه برسد و چه کسی و به چه میزان صدمه می بیند و یا این اعمال نقض قانون و حقوق بشر است اصلا مهم نیست.

البته در داخل محدوده بازداشتگاه امکانات مدرن و مجهز پزشکی و بهیاری و احیاء نیز وجود دارد که برای مواقع اضطراری همچون مواقعی که فرد بازداشتی بر اثر فشارهای روحی و روانی و جسمی دچار آشفستگی می شود و اقدام به انتحار و خودکشی می نماید "یک تیم مجهز و مجرب خدمات پزشکی هر لحظه در شبانه روز آماده رسیدگی به مسئله رخ داده بر مبنای دستورالعملی پیشاپیش صادر شده در مورد متهم می باشند که اگر دستور احیاء و رسیدگی و بازگرداندن متهم و بازداشتی انتحار و خودکشی کننده باشد که تمام تلاش خود را بر مبنای آن دستورالعمل انجام می دهند و اگر دستور بی تفاوتی صریح در مرگ در حین خودکشی باشد که اقدام خاصی انجام نمی دهند و در مورد نجات شخص اقدامی هم نمی کنند.

در بازداشتگاه 336 تمام شگردهای قدیمی و جدید و مدرن و پیش پا افتاده در نحوه برخورد و یا بازجویی و یا حتی معدوم و سر به نیست کردن متهم بازداشتی به کار گرفته می شود. خواه این سربه نیست کردن از طریق القاء خودکشی به عنوان آخرین راه نجات از شکنجه به متهم باشد و یا اینکه متهم را با مرگی سریع و آشکار و به هدف مقتول کردن بکشند و یا اینکه با در نظر گرفتن موقعیت زمانی و ماهیت شخصیتی فرد مورد نظر در مورد اعمال مرگ محرمانه تصمیم بگیرند که آن هم ترفندهای خاص خود را در این بازداشتگاه مخوف دارد " از مبتلا کردن فرد به انواع بیماریهای خاص و لاعلاج تا تزریق و یا خوراندن انواع سموم مرگ آور زمان بندی شده که فرد را در مسیری ظاهرا طبیعی به طرف مرگی تدریجی و فتنه گرانه و برنامه ریزی شده سوق می دهند که البته از موارد مورد بحث و آشکار این اعمال که در مورد آن مباحث بسیاری بر مبنای مدعیات و مدعیان اظهار می شود و در بازداشتگاه 336 رخ داده قتل آیت الله میلانی و قتل سعید امامی است که البته حرفهای بسیاری دیگر نیز وجود دارد در مورد رخدادهایی که در مورد سعید امامی و همسر او در این بازداشتگاه رقم زده شده و رخ داده که بخش کوچکی از تصاویر شکنجه ها و بازجوئیهای آنان در سطح جامعه پخش و منتشر شد که صد البته قتل و معدوم کردن امثال آنان زدن مهر سکوت و گذاشتن سرپوشی امنیتی بر هزاران جنایت رخ داده در دخمه های بمانند بازداشتگاه 336 در طی سالیان سال پس از انقلاب است.

البته نباید فراموش کرد که برای افراد مهمی که در این بازداشتگاه به طور محرمانه نگهداری می شوند و در بین آنها افراد صاحب منصب و بسیار مهم و حتی اتباع خارجی وجود دارند محدوده خاص و فوق سری و قرنطینه شده ای از نظر اطلاعاتی ایجاد شده که در آن محدوده اتاقها و یا همان سوئیت‌های مبله با تمام امکانات وجود دارد که حتی مامورین شاغل نیز بدون دستور افراد عالیرتبه بازداشتگاه حق نزدیک شدن به آن سوئیتها و اتاقها را ندارند چه برسد به اینکه بدانند در آنها چه کسانی هستند و یا چرا نگهداری می شوند.

در نهایت در مورد این بازداشتگاه اینکه اگر فردی در طی بازداشت در این بازداشتگاه کشته نشود و به هزاران حلقه مفقوده قتل‌های زنجیره ای نپیوندد و جان سالم به در ببرد اگر قرار بر این شود که پس از مدتی به سر کار بازگردد و همکاری کند به زندان و یا بازداشتگاه امنیتی با درجه پائینتر امنیتی و یا بازداشتگاه حشمتیه منتقل می شود و اگر قرار به اخراج باشد برای تحمل دوران محکومیت در صورت صلاحدید و با اخذ تعهد به سکوت به زندان اوین منتقل می شود و می توان گفت بازداشتگاه 336 ساحفاجا در راس هرم بازداشتگاههای امنیتی سراسر ایران قرار دارد. مقر اصلی هدایت بازداشتگاه 336 در ساختمان زنبوری دادستانی نظام واقع است.

بازداشتگاه اف 64 :



بازداشتگاه اف 64 تحت اختیار و مدیریت وزارت دفاع اداره می شود. این بازداشتگاه در اول بلوار استاد معین در محدوده پادگان جی و مابین بلوکهای مسکونی همان پادگان به طور استتار شده ای

واقع شده است که وجود چندین درب در این بازداشتگاه خصوصا از داخل پادگان جی و وجود درب دیگری در محدوده اداری و مسکونی همان پادگان باعث شده به هیچ عنوان تردد اشخاص و اتومبیلها به محدوده بازداشتگاه شک برانگیز نباشد.

این بازداشتگاه تقریبا گنجایش نگهداری 70 نفر را دارد که اکثریت امکانات آن بر روی سلولهای انفرادی متمرکز است و 2 بند عمومی 10 تخته نیز در آن وجود دارد. تمام تاسیسات و امکانات نگهداری متهمین تا اتاقهای بازجویی در زیر زمین که نزدیکی خاصی به محدوده باند پرواز هواپیماها در فرودگاه مهرآباد دارد واقع شده است. اتاقهای سکونت پرسنل بازداشتگاه و اتاق بازجویی تماما عایق صوتی می باشد ولی اتاقهای نگهداری متهمین و سلولها فاقد عایق کاری می باشد و صدا و لرزش پی در پی نشست و برخاست هواپیماها هر موجودی را در سلولها و انفرادیها از پا در می آورد و تاثیرات مستقیم روانی بر روی افراد بازداشتی در این بازداشتگاه می گذارد. در این بازداشتگاه اکثر افراد بازداشتی کسانی می باشند که در مناسب نظامی اشتغال داشته اند و یا جرمشان نظامی است و نوع اتهاماتشان جرائم امنیتی درجه 2 است. در این بازداشتگاه قوانین خاص بازداشتگاههای امنیتی لحاظ می شود " تماس تلفنی ممنوع " ملاقات ممنوع " اطلاع رسانی و به عهده گیری مسئولیت بازداشت فرد بازداشتی ممنوع و تمام تردها و بازجوئیها و نقل و انتقال ها به طور محرمانه و با زدن چشم بند به چشم متهم انجام می شود. وضعیت استحمام و تغذیه در حد متوسط می باشد و افراد بازداشتی در این بازداشتگاه مدت طولانی نگهداری نمی شوند فقط بازجوئیهای مقدماتی و تحقیقاتی در قرنطینه اطلاعاتی در آن انجام می شود و فرد پس از اتمام تحقیقات به بازداشتگاه مورد تایید دادرسی نظامی منتقل می شود.

در قسمت بالای ساختمان بازداشتگاه اف 64 محوطه ای وجود دارد که بخش نگهداری و جمع آوری اموال مصادره شده از نظامیان بازداشتی فعلی و گذشته است که شلوغی این محدوده خود نیز پوششی بر حریم بازداشتگاه است.

می توان گفت با توجه به قرار گرفتن بازداشتگاه اف 64 در زیرزمین و عدم رسیدگی معقول به وضعیت بهداشت و درمان و تغذیه افراد بازداشتی در آن و عدم تهویه مناسب در بازداشتگاه و ایجاد زمینه شکنجه روانی بر اثر قرار گرفتن بازداشتگاه در مسیر آلودگی شدید صوتی خصوصا در مورد سلولهای انفرادی و اعمال بازجوئیهای پی در پی و شبانه روزی در محدوده آن " این بازداشتگاه را به یکی از بی در و پیکر ترین بازداشتگاههای امنیتی تبدیل کرده که هیچ گونه حق و حقوق انسانی در آن مراعات نمی شود و تنها راه خلاصی از آن برای متهم بازداشتی تسلیم شدن در برابر خواسته بازجوها و امضاء هر سند راست و دروغ پیش رو است تا شاید از آن محیط ضد انسانی خلاص شود که این ویژگیهای غیر انسانی این بازداشتگاه را تبدیل به یکی از بازداشتگاههای معروف امنیتی تحت نظارت وزارت دفاع در سطح کشور نموده است.

ادارات پیگیری وزارت اطلاعات:



وزارت اطلاعات در سطح شهر تهران دارای ساختمانهای متعددی است که از آنها به عنوان دسترسی محلی استفاده می نماید ، یعنی بازداشتگاههای محدود و موقت ، محل بازجویی ، ملاقات احضار شدگان و ملاقات عوامل نفوذی خود مورد استفاده قرار میدهد که بعضی از معروفترینهای این اماکن واقع در خیابان خواجه عبدالله ، سهروردی ، همت و... است اما معروفترین این اصطلاحاً ساختمانها ، ساختمان اداره پیگیری در پشت بازار کامپیوتر رضا در خیابان ولیعصر و محدوده چهارراه ولیعصر است که بر روی سر درب آن یک تابلو بزرگ سفید تنها با همین نام نصب شده است.

در این مجموعه 2 اتاق بازداشت و 2 اتاق ملاقات و بازجویی و مصاحبه و یک اتاق بزرگ سالن مانند وجود دارد که این اتاق بزرگ را با پرده به چند قسمت تقسیم نموده اند که فرد بازجویی شونده و یا مخاطب در موارد مورد صلاحدید فرد مقابل را نبیند و پرده حالت پوشش را دارد.

این اداره پیگیری واقع شده در محدوده چهارراه ولیعصر بر محدوده پارک لاله تا میدان فردوسی نظارت می کند و افراد بازداشتی را بیش از 48 ساعت در آن نگهداری نمی نمایند بلکه به بازداشتگاههای مهمتر انتقال می دهند.

بازداشتگاه دژبان :



بازداشتگاه دژبان در پادگان دژبان مرکز و در فاصله حدودا 100 متری بازداشتگاه 336 ساحفاجا قرار گرفته است.

این بازداشتگاه از نظر وسعت مکانی گنجایش تا 350 نفر را دارد.

در این بازداشتگاه منطبق با قواعد جاری در بازداشتگاه نظامی حشمتیه که از اساسنامه ارتش که در اوایل دهه 20 تدوین شده تبعیت می شود.

اکثر متهمین آن نظامیان ارتشی و جرائم غیر امنیتی هستند و از امکانات متوسط بازداشتگاههای جرائم عادی ارتش برخوردار هستند که البته اگر در بین بازداشتیها مرتکبین جرائم خاص و سنگین مشاهده شود آنها را به مراکز مهمتر و دارای صلاحیت رسیدگی تحویل می دهند و اگر جرائم پیش پا افتاده در نظام رخ داده باشد پس از مدت کوتاهی بازداشت متهم را به زندان حشمتیه و دادسرای نظامی تحویل می دهند. در این بازداشتگاه نیز سلولهای انفرادی و بندهای عمومی وجود دارد و تمام دستورالعملها در آن توسط دادسرای نظامی صادر و اجرا می شود.